

حرف و فیر

تاریخ، عقاید، عبادات، قیامت ...

از ابتدا تاکنون با استناد به منابع دست اول

فاتح اسلوار

ترجمه: داوود وفایی



تاریخ

کتابخانه - چارلز وینسنت

تفسير: ١٢٢: ١٢٢

حروفیہ

از ابتدا تا کنون با استناد بہ منابع دست اول



فاتح اوسلوار

ترجمہ

داوود وفایی



انتشارات مولیٰ

۴۹۹۷۸

سرشناسه	اوسلو، فاتح، ۱۳۶۶ - ج.
عنوان و نام پدیدآور	Farib, Ushaer
مشخصات نشر	حروفیه از ابتدا تاکنون با استناد به منابع دست اول / فاتح اوسلو، ترجمه داود وفایی، تهران، مولى، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	بست و شش، ۵۵۰ ص.
شابک	978-964-2671-69-4
وضعیت فهرست نویسی	فهرست
یادداشت	عنوان اصلی: İlk eklen Hurufiye, 2009 kaynaklarla doğuşundan itibaren.
موضوع	حروفیه
موضوع	اسلام -- حرفه ها
شماره افزودن	وفایی، داود. - ۱۳۶۶ - مترجم
رده بندی کنگره	۱۳۹۱ - ۹۷۹۰۱۰۱۷BP
رده بندی دیویی	۲۹۷۱A۷5
شماره کتابخانه ملی	۲۶۶۶۳-۲



انتشارات مولى

تهران: خیابان انقلاب - چهارراه ابوریحان - شماره ۱۱۵۸، تلفن: ۶۶۴۰۹۲۴۳ - نمابر: ۶۶۴۰۰۰۷۹

حروفیه از ابتدا تاکنون با استناد به منابع دست اول

فاتح اوسلو، ترجمه: داود وفایی

چاپ اول: ۱۳۹۱ = ۱۴۳۳ • ۱۱۰۰ نسخه • ۲۰۶/۱
۹۱

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۶۷۱-۶۹-۴ ISBN: 978-964-2671-69-4

حروفچینی: کوشش • لیتوگرافی: موج • چاپخانه: ایران مصور • صحافی: سبزواری

کلیه حقوق مربوط به این اثر محفوظ و متعلق به انتشارات مولى است

۳۲۰۰۰۰ ریال

فهرست مطالب

سخن مترجم

(یازده - نوزده)

متون اصلی حروفیه	سیزده	اصالت حروف در آفرینش	شانزده
حروفیان و تشیع	چهارده	کتاب حاضر	هجده
اعتقادات	پانزده		

پیشگفتار نویسنده

(بیست و یک - بیست و شش)

حروفیه از ابتدا تاکنون با استناد به منابع دست اول

(۳ - ۵۰۷)

بخش اول: تاریخ حروفیان

(۳ - ۷۹)

مقدمه	۳	سید نسیمی	۴۶
حروفیه در زمان تیمور و میرانشاه	۴	میر (سید) شریف	۴۸
حروفیه در زمان شاهرخ	۶	سید اسحاق	۵۰
حروفیه در زمان جهانشاه	۸	علی	۵۵
حروفیه در آناتولی و بالکان	۹	امیر غیاث الدین	۵۶
تحلیل تاریخی حروفیان	۱۲	کمال قایناق	۵۷
فضل الله استرآبادی	۱۴	میر فاضلی	۵۷
علی الاعلی	۳۸	رفیعی	۵۹
شیخ ابوالحسن	۴۴	پناهی	۶۳

۷۲	جاوید علی	۶۴	عبدالمجید بن فرشته
۷۶	ایشکورت دده	۶۷	مثالی
۷۸	رحمت الله	۶۹	محیطی
۷۸	جلال سفیرشاه	۷۱	عرشی
۷۸	آثار ناشناخته	۷۲	مقیم

بخش دوم: عقاید حروفیه

(۸۰ - ۱۵۰)

۱۱۴	اهل سواد الاعظم	۸۰	حرف‌گرایی
۱۱۶	مردان اعراف	۸۱	اصالت حروف در آفرینش
۱۱۸	مطهر و موحدون	۸۷	حرف، عدد و وجود
۱۱۹	راسخون فی العلم	۹۱	حروف و اشکال
۱۲۰	اعتقاد حروفی	۹۴	برداشت‌های آزاد از حروف
۱۲۴	شریعت، طریقت و واجبات دینی	۹۶	حروفیه
۱۳۱	شیعه یا سنی بودن حروفیان	۹۹	حروفیان در قرآن
۱۳۶	حروفیه و تصوف	۹۹	وارثان آدم
۱۴۰	حروفیان و غیر حروفیان	۱۰۱	امت وسط و شهدا
۱۴۲	ویژگی بارز حروفیه	۱۰۵	اصحاب یمین
۱۴۶	تأثیرات حروفیان	۱۰۹	مقربون
		۱۱۱	فرقه ناجیه

بخش سوم: حروف

(۱۵۱ - ۲۰۵)

۱۷۷	حروف مقطعه در سوره‌های قرآن	۱۵۱	نقطه
۱۸۲	حروف مقطعه و اجزای آن	۱۵۷	حروف ۲۸ و ۳۲ گانه
۱۸۵	وحدت حروف	۱۶۱	لام الف «لا»
۱۹۰	الله و حروف	۱۶۵	حرف «ی» حرف آخر
۱۹۸	وحدت وجود بالحروف	۱۶۶	الف
		۱۶۹	حروف مقطعه

بخش چهارم: الله

(۲۰۶ - ۲۱۷)

۲۰۹	الله و فضل الله	۲۰۶	هو
۲۱۵	اسم اعظم	۲۰۸	اعضا و جوارح الله

بخش پنجم: انسان

(۲۱۸ - ۲۵۹)

۲۴۴	خط استوا	۲۱۸	اهمیت انسان
۲۴۷	وجه در قرآن	۲۲۴	انسان و جهان
۲۵۱	دندانها	۲۲۸	انسان و قرآن
۲۵۲	استخوان، پوست، عصب، و شریان	۲۳۲	عرش و کرسی
۲۵۵	منافذ	۲۳۵	وجه
۲۵۸	دستان و پاها	۲۳۷	خطهای امی آبی و سپید

بخش ششم: پیامبران

(۲۶۰ - ۳۶۵)

۲۹۷	موسی، خیمه‌ی میعاد	۲۶۳	آدم
۳۰۱	طور سینا	۲۶۸	تعلیم اسمای کل
۳۰۳	الواح موسی	۲۷۰	آدم مسجود
۳۰۵	سلیمان	۲۷۳	بزم الست
۳۰۸	عیسی مسیح	۲۷۴	خلق حوا از آدم
۳۱۴	فضل الله، مسیح و مهدی	۲۷۵	شجره ممنوعه
۳۲۴	حضرت محمد(ص)	۲۷۷	آدم حقیقی
۳۲۹	لفظهای «محمد» و «الله»	۲۸۱	گل آدم
۳۳۰	محمد و ۳۲ کلمه الهی	۲۸۲	آدم خلیفه
۳۳۲	من نبی بودم و آدم در میان آب و گل	۲۸۴	آدم، در زیر بیرق حضرت محمد(ص)
۳۳۴	مقام محمود	۲۸۶	نوح
۳۳۵	حضرت محمد در تورات	۲۸۸	ابراهیم
۳۳۷	کوه قاف و دریای صاد	۲۹۰	یوسف

۳۵۲	سدرۃالمنتهی	۳۳۸	یس و طه
۳۵۶	رفرف	۳۴۱	شق القمر
۳۵۷	قاب قوسین	۳۴۳	معراج
۳۶۰	رؤیت الله	۳۴۹	اسراء
۳۶۳	محمد و فضل الله	۳۵۰	دیدار با پیامبران

بخش هفتم: عبادات

(۴۶۷-۳۶۶)

۴۲۴	صلات وسطی	۳۶۷	کلمه شهادت و کلمه توحید
۴۲۴	نماز تراویح و نماز وتر	۳۶۹	وضو
۴۲۷	نماز در شبهای رغائب، برائت و قدر	۳۷۰	بیا و سر وضو را طلب نما
۴۳۳	نماز عید	۳۷۷	غسل
۴۳۵	نماز اشراق	۳۷۸	اذان و اقامه
۴۳۶	نماز میت	۳۸۲	بلال و گنجیه کعبه
۴۳۶	روزه	۳۸۵	نماز
۴۴۱	حج	۳۸۷	نماز از پنجاه نوبت تا پنج نوبت
۴۴۲	احرام	۳۹۶	آدای نماز
۴۴۴	کعبه	۴۰۳	انواع نمازهای یومیه
۴۴۸	حجرالاسود	۴۰۳	نماز در حضر
۴۵۳	طواف	۴۰۷	نماز شکسته
۴۵۴	عرفات	۴۱۰	نمازهای روز جمعه
۴۵۶	رمی جمرات	۴۱۴	رکعات واجب نمازهای پنجگانه
۴۵۸	قربانی و حلق	۴۱۷	جهر یا خفی بودن قرائت در نمازها
۴۶۱	زکات، عشر و خمس	۴۲۱	نمازهای مستحبی

بخش هشتم: قیامت و زمان بعد از مرگ

(۵۰۳-۴۶۸)

۴۷۴	دخان مبین	۴۶۸	دنیا و آخرت
۴۷۶	کشف ساق	۴۷۱	اشراف ساعت و قیامت
۴۷۷	دآبه الارض	۴۷۲	دجال

۴۸۸	بهشت و جهنم	۴۸۰	ذوالقرنین، یاجوج و ماجوج
۴۹۲	درهای بهشت و جهنم	۴۸۲	برآمدن خورشید از مغرب
۴۹۶	اهل بهشت و اهل جهنم	۴۸۵	اسرافیل
۵۰۱	رویت الله	۴۸۷	پل صراط

نتیجه

(۵۰۷-۵۰۴)

کتابشناسی

(۵۳۰-۵۰۹)

۵۱۱	نسخ خطی حروفی
۵۱۶	منابع عمومی (فارسی، ترکی، عربی)
۵۲۶	منابع انگلیسی

فهارس

(۵۵۳۶-۵۳۱)

۵۳۳	فهرست آیات
۵۳۶	فهرست اعلام و اصطلاحات

داود وفایی مترجم کتاب، متولد ۱۳۴۰ در تهران است. مقطع کارشناسی را در رشته الهیات گرایش فلسفه اسلامی، و کارشناسی ارشد را در رشته عرفان اسلامی به پایان برد. وفایی به موازات سه دهه مطالعه در فرهنگ جامعه ترکیه، علاوه بر تدریس، مشغول تحقیق و پژوهش در مباحث ادبی و عرفانی است. از او تاکنون سی جلد کتاب منتشر شده است. زندگانی ابن عربی، نمادگرایی در اندیشه ابن عربی، اوحدالدین کرمانی و حرکت اوحدیه، دین و سیاست در دولت عثمانی، و مجموعه داستان دیدار از کتاب‌هایی است که توسط وی ترجمه و منتشر شده است.

فاتح اوسلو را نویسنده کتاب، سال ۱۹۷۶ در ازمیر ترکیه به دنیا آمد. سال ۱۹۹۹ پس از اخذ مدرک کارشناسی در رشته زبان و ادبیات ترکی از دانشگاه بوغازاچی به فرانسه رفت و در دانشگاه Marc Bloch شروع به فراگیری زبان فرانسه نمود. در آکادمی علوم اجتماعی پاریس رساله کارشناسی ارشد خود را درباره «شیخ غالب و نظام جدید» تدوین کرد و پس از مدتی به شهر قم در ایران آمد و با زبان‌های فارسی و عربی و همچنین اعتقادات مذهب شیعه آشنا شد. آن‌گاه برای پیشرفت در زبان عربی عازم سوریه شد و در دانشگاه‌شام به تحصیل پرداخت. او در سال ۲۰۰۷ از رساله دکتری خود تحت عنوان «حروفیه» در Ecole Pratique des Hautes Etudes Sorbonne دفاع کرد و تحصیلات عالی خود را در مقطع دکتری به پایان رساند. در همان سال مشغول تدریس ادبیات ترکی در دانشگاه TPBB شد و در حال حاضر نیز استادیار همان دانشگاه است و ادبیات ترکی تدریس می‌کند. کتاب حاضر حاصل هفت سال تلاش و پژوهش فاتح اوسلو است؛ او در مدت مذکور تمام منابع حروفی به زبان‌های فارسی و عثمانی را مطالعه کرد. نویسنده در اثر حاضر به بررسی فلسفه حروفیه و تأثیرات این جریان بر ادبیات فارسی و ترکی می‌پردازد.

مقدمه مترجم

بعد از سرکوب نهضت سربداران^۱ و خاتمه استقلال سادات مرعشی^۲ به دست تیمور گورکانی^۳، حروفیه از تشکلهای سازمان یافته‌ای بود که توسط فضل الله استرآبادی^۴ به وجود آمد و پس از قتل او توسط میرانشاه پسر تیمور، فعالیت‌هایش در ظاهر متوقف شد. فضل الله حروفی که درباره معانی حروف و ارتباط آنها با ذات حق و همچنین در باب حلول^۵ و اتحاد مطالبی شبیه به اقوال باطنیه^۶ داشت، پاره‌ای از ادعاهای منسوب به حلاج^۷ را نیز تجدید کرد. او برای حروف ویژگی‌های اسرار آمیزی قائل بود، و به همین جهت به «فضل الله حروفی» مشهور شد و پیروانش به حروفیه شهرت یافتند.

۱. قیام فراگیر مردم باشتین و سبزوار خراسان که در قرن هشتم به رهبری یک روحانی به نام شیخ خلیفه در برابر ظلم و تعدی مغولان صورت گرفت.
۲. این حکومت را قوام الدین مرعشی در نیمه دوم قرن هشتم هجری در مازندران بنیاد نهاد و تا قرن دهم با فراز و فرودهایی تداوم یافت.
۳. امیر تیمور گورکانی یا تیمور لنگ نخستین پادشاه گورکانی و مؤسس این سلسله که از ۷۷۱ تا ۸۰۷ ه. ق. (۷۸۳ - ۷۴۸ ه. ش) در بیشتر ممالک آسیا با کمال قدرت و عظمت پادشاهی کرد.
۴. جلال الدین فضل الله بن ابومحمد عبدالرحمن استرآبادی حسینی (متخلص به نعیمی) که در ۷۴۰ هجری شمسی در استرآباد متولد شد.
۵. فرود آمدن در جایی، وارد شدن به کسی؛ داخل شدن روح کسی در کس دیگر (فرهنگ فارسی معین) عارفان و صوفیان از سوی مخالفان خود متهم به جانبداری از نظریه حلول می‌شوند. طبق نظر مخالفان، صوفیان معتقد به حلول خداوند در انسان‌ها و تمام مخلوقات می‌باشند.
۶. اسماعیلیه یا باطنیه فرقه‌ای از شیعه امامیه است که معتقدان آن، محمد بن اسماعیل برادرزاده موسی کاظم (ع) را آخرین امام می‌دانستند. به اعتقاد اسماعیلیان مطالب ظاهری دین دارای بواطنی است که فقط امام و تعلیم‌یافتگان او بر آنها واقفند و باید از او یا از کسانی که از وی تعلیم گرفته‌اند، آموخت.
۷. ابوالمغیث عبدالله بن احمد بن ابی طاهر مشهور به حسین بن منصور حلاج، در ۲۴۴ هجری به دنیا آمد. او از عارفان ایران در سده سوم و دهه اول قرن چهارم هجری است. از مهم‌ترین صوفیان دوران خود بود که در حالت سکر عرفانی به گفتن «انا الحق» پرداخت. متشرعین او را به جرم «کفرگویی» به طرز دردناکی به قتل رساندند.

سید فضل الله که در زمان خود به «حلال خور» معروف بوده است، علاوه بر تبحر در فقه و علوم شرعی با حکمت و عرفان و کتاب‌های حلاج و ابن عربی آشنایی داشته است. او به خاطر زهد و ریاضت بسیار، مورد توجه فوق‌العاده مریدان خود بوده و بعضی از مشاهیر علما و برخی از امرا نیز نسبت به وی اظهار ارادت می‌کرده‌اند.

فضل الله استرآبادی چنان که از مآخذ حروفیه برمی‌آید در ۷۴۰ هجری در استرآباد ولادت یافت و در سن پنجاه و شش سالگی به سال ۷۹۶ کشته شد. او نسبت خود را به جعفر بن موسی بن جعفر (ع) می‌رسانیده است.

فضل الله از جوانی علاقه زیادی به ریاضت و روزه و شب زنده‌داری یافت و کثرت رویاها و تردد در مقابر تدْرِیجاً او را وادار به ترک دنیا و انزواطلبی و تجرید کرد. او که در سروده‌هایش «نعیمی» تخلص می‌کرد در تعبیر رویا شهرت خاص یافت و در ترک دنیا به جایی رسید که گویند هرگز در حضور وی سخن دنیوی مطرح نمی‌شد. از راه کلاه‌دوزی (طاقیه) امرار معاش می‌کرد و مریدانش نیز از دسترنج خویش نان می‌خوردند.

فضل در چهل سالگی در تبریز خود را واجد مقام اولیاء و صاحب مکاشفات عالی یافت و اسرار حروف مقطعه قرآن^۱ که منشاء تعلیم او در باب حروف گشت نیز در همین ایام بر وی ظاهر شد. از نظر حروفیه جهان جاودان است و پیوسته تجدید می‌شود. این تجدید حیات سه مرحله دارد: نبوت، امامت و الوهیت. حضرت خاتم‌الانبیاء صلی‌الله‌علیه‌وآله وسلم هم صاحب نبوت بود و هم صاحب ولایت، و نبوت به وجود او ختم می‌شود و حضرت علی علیه‌السلام صاحب ولایت و مظهر الوهیت بود و ولایت به وجود او ختم می‌شود؛ از این رو، مقام جانشینی او فقط مظهری از الوهیت است و اولین وصی و قائم مقام او پس از فضل الله، دخترش کلمه‌الله هی‌العلیا است. فضل در آن دوره کوشید مریدان خود را متقاعد کند دوره نبوت و ولایت تمام شده و دوره الوهیت با ظهور او آغاز گشته است. نشر این گونه دعاوی سبب شد که فقها او را تکفیر کنند.

پس از قتل فضل الله بنا به وصیت او، هوادارانش در اطراف و اکناف پراکنده شدند و پنهانی به نشر افکار حروفی‌گری پرداختند. یکی از پیروان او به نام نسیمی در سال ۸۲۱ در حلب به ترویج افکار فضل الله پرداخت و طرفداران بسیار یافت اما به فتوای علمای حلب وی را با شکنجه بسیار کشتند. علی‌الاعلیٰ یکی دیگر از خلفای فضل بود که به آناتولی سفر کرد و به تبلیغ عقاید حروفیه پرداخت. او در آسیای صغیر کتاب «جاویدان‌نامه» فضل را تدریس و تعلیم می‌کرد.

۱. حروف مقطعه، (حرف‌های گسسته از هم) حروفی هستند که در ابتدای برخی از سوره‌های قرآن آمده‌است. حروف مقطعه در ابتدای ۲۹ سوره از سوره‌های قرآن آمده و مجموعاً ۷۸ حرف است که با حذف مکررات، ۱۴ حرف می‌شود.

حروفیه برای کلمه و حروف و اصوات با استفاده از حساب ابجد خواص عجیبی قائل اند و آیات و معارف دینی را از همین راه تأویل و تفسیر می کنند. نخستین اشاره به کاربرد علم حروف در مکاتب و مذاهب فکری عقیدتی دوره اسلامی احتمالاً متعلق به فرقه اسماعیلیه است. ناصر خسرو^۱ از روی تأویل، مقدار قرضی را که خدا از بندگان در آیه یازده سوره حدید^۲ خواسته، ۱۱۹ درهم دانسته، زیرا کلمه حسنأ در این آیه طبق حساب ابجد برابر ۱۱۹ است.

در نظر حروفیان کلمات وسیله خلق عالم هستند. بنابراین، واژه هایی که برای نامیدن اشیا به کار می بریم، کلماتی اعتباری برای نامیدن اشیا نیستند، بلکه کلام حق و ماهیت خود اشیا هستند؛ پس اسماء عین مسمی خواهند بود. از نظر آنان، بعضی از ۳۲ حرف الفبای فارسی در کتاب های آسمانی مذکورند؛ طبق این نظر در تورات ۲۲ حرف، در انجیل ۲۴ و در قرآن ۲۸ حرف موجود است.

از عقاید دیگر آنها این است که هیچ حقیقتی بی صورت نیست و نخواهد بود. دلیل قطعی آنان بر اثبات این امر آن است که حق در قیامت به صورتی که بخواهد مرئی خواهد شد و اهل بینش به لقای او مشرف خواهند شد. حق در این عالم هم به صورتهای گوناگون متجلی می شود، اما به رغم تجلی حق در کثرات اسماء، وحدت ذات حق باقی است. پس، مانند طرفداران وحدت وجود، به نظر حروفیه خداوند در همه اشیا ظهور دارد، اما کامل ترین ظهور حق در انسان است. خدا روح خود را به صورت کلمه در مریم دمید و عیسی علیه السلام پدید آمد و آن امانت هم که خدا به انسان داده، نطق یا قدرت بر ادای کلمه بوده است. به واسطه همین نطق، انسان آیینۀ وجه الهی و مسجود فرشتگان است. صفت نطق، مظهر الله است و مرگ به این حقیقت راه ندارد. پس کلمه، سرچشمه حیات باقی خواهد بود؛ از این رو عیسی (ع) نیز، که کلام و نطق حق است، زندگی جاوید دارد.

متون اصلی حروفیه

کتاب های اساسی حروفیه عبارتند از: آثار فضل الله یعنی جاویدان نامه، نوم نامه، محبت نامه و عرش نامه، توحیدنامه؛ قیامت نامه علی الاعلی، حج نامه، محشرنامه، اسم المسمی، بیان الواقع یا رساله معادیه میرشریف از خلفای فضل، خوابنامه، اشارت نامه، زبده التجاه، از آثار امیراسحاق خلیفه دیگر فضل، اطاعت نامه یکی از چهار کمال (احتمالاً کمال قیانتی) که به چهاریار معروفند، رساله و شرح تقسیمات میرفاضلی از خلفای علی الاعلی، رسائل جاویدی از خلفای محمد میرزای دست

۱. حکیم ناصر خسرو (۹ ذیقعد ۴۸۱-۳۹۴ قمری)، از شاعران بزرگ و فیلسوفان ایرانی. ناصر خسرو در میان اسماعیلیه می زیسته و از مبلغان ایشان به شمار می رفته است.
۲. «من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له وله اجر کریم»

بریده، حاشیه بر جاویدان اثر حمزه از خلیفه جاویدی، دیوان و مقدمه الحقایق نسیمی، مثنوی‌های بشارت‌نامه و گنج‌نامه از رفیعی خلف‌نسیمی، ایشیق‌نامه و آخرت‌نامه عبدالمجید بن فرشته عزالدین، دیوان و رسائل محیطی، صلوٰه نامه ایشکورت محمد دده خلف حمزه، دیوان عرشی که منسوب است به محیطی، دیوان و رسائل مثالی. در موضوع زندگانی فضل، کتاب‌های استوانه‌امیر غیاث‌الدین و خواب‌نامه سید اسحاق در رتبه اول قرار می‌گیرد.

کتابخانه مجلس شورای اسلامی، یکی از مراکزی است که مجموعه‌هایی از حروفیان را در ایران در اختیار دارد. در این کتابخانه چهارده نسخه وجود دارد که از این تعداد چهار رساله به نظم و مابقی به نثر است. در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران نیز تعدادی از نسخه‌های خطی متعلق به حروفیه موجود است.

حروفیان و تشیع

تأثیرات تشیع در حروفیه را در نقل احادیث شیعه، قبول برخی معتقدات شیعه، و ستایش امامان شیعی می‌توان یافت. با این همه، مخالفت‌هایی با اسلام و پاره‌ای از معتقدات خاص شیعه را نیز به آنان نسبت داده‌اند، از جمله اینکه آنان فضل‌الله حروفی را مهدی می‌دانستند.

در میان علمای شیعه، علامه امینی^۱ شرح حال ستایش‌آمیزی درباره فضل‌الله حروفی و نسیمی نوشته و آن دو را جامع علوم عقلی و نقلی و از سادات صحیح‌النسب و شهدای عالی‌قدر شیعه دانسته است. آقابزرگ طهرانی^۲ نیز «نزهة الله حروفی» با عنوان شهید یاد کرده است. میرزا محمدعلی مدرس تبریزی^۳ فضل‌الله را حکیم، عارف و دارای علوم ظاهری و باطنی و صاحب کرامات معرفی

۱. شیخ عبدالحسین امینی از علمای مشهور شیعه، در سال ۱۲۸۱ هجری شمسی در شهر تبریز پا به دنیا گذاشت، معروفترین اثر او «الغدیر» است که بزرگترین منبع شیعه در عصر حاضر به‌شمار می‌رود. علامه امینی در تهران در روز ۱۲ تیرماه ۱۳۴۹ رخت از جهان بریست.

۲. شیخ آقابزرگ تهرانی (۱۸ فروردین ۱۲۵۵ در تهران - ۱۲ اسفند ۱۳۴۸ در نجف)، معروف به صاحب الذریعه که نام اصلی او محمدمحسن بود و بعدها منزوی لقب گرفت، از دانشمندان کتاب‌شناس قرن چهاردهم هجری است و با تألیف دائرةالمعارف بزرگ الذریعه و کتاب طبقات اعلام الشیعه گام بزرگی در شناسایی آثار و نسخ خطی اسلامی در حوزه‌های مختلف علوم برداشت.

۳. محمد علی مدرس در سال ۱۲۹۶ ه. ق در تبریز به دنیا آمد. ریحانة الادب محصول نه سال تلاش مرحوم مدرس تبریزی در سالیان آخر عمرش است، این کتاب ارزشمند که در ردیف کتب معتبر و منابع شرح حال نویسی به زبان فارسی است و شرح حال ۴۶۲۴ نفر را در خود جای داده است، در زمره منابع مهم شرح حال نویسی به زبان فارسی است و از جمله منابع مهم «لغت نامه» دهخدا می‌باشد. او در ۱۶ فروردین سال ۱۳۳۳ ه. ش (مطابق با اول شعبان ۱۳۷۳ ه. ق) چشم بر جهان فروبست.

کرده است که به فتوای جُهال متلبس به لبای اهل علم کشته شد. وی نسیمی را هم عارف، عالم، محدث، شاعر و پیرو اصول طریقت «سیدشاه فضل نعیمی» معرفی کرده است.

اعتقادات

به اعتقاد حروفیان، ظهور وجود با صداست. صدا در هر چیزی که از عالم غیب به عالم عین یعنی از قوه به فعل درمی آید وجود دارد. صدا در جامدات به صورت بالقوه موجود است. در صورت برخورد دو شی جامد با یکدیگر صدا ظاهر می شود. صدا در جانداران بالفعل موجود است اما صورت تکامل یافته آن در انسان به صورت سخن ظهور می یابد. سخن شکل غایی و کمال یافته و اصل صداست. سخن ها از حروف پدید می آیند. از این رو اصل صدا و سخن، حرف است. حضرت محمد(ص) با بیست و هشت حرف سخن گفته و قرآن با همین حروف نازل شده است. زبان عربی بیست و هشت حرف دارد. «جاویدان» که از فضل ظهور یافته به لهجه گرگانی فارسی است. فارسی سی و دو حرف دارد؛ یعنی عربی فاقد حروف پ، چ، ژ، وگ است. اما در قرآن به جای این حروف «لام، الف» (لا) هست که جای آن ها را پر می کند. زیرا اگر این دو حرف بسط داده شود یعنی آن ها را به همان شکلی که در عربی تلفظ می شود بنویسیم، چهار حرف غیر مکرر که در حالت عادی ادا نمی شود ظاهر می گردد: ل، ا، م، ف.

در چهره انسان هفت خط سیاه (موها) وجود دارد. موی سر، دو ابرو و چهار مژه. انسان با این ها از مادر زاده می شود لذا به آن ها «خطوط اُمیه» گفته می شود. مرد به سن بلوغ که می رسد هفت خط دیگر در چهره اش نمایان می گردد. سبیل در دو سوی راست و چپ صورت، ریش در دو سوی صورت، موهای دو بینی، و خطی که زیر چانه دیده می شود. به این ها «خطوط آبیه» گفته می شود. مجموع این خطوط چهارده می شود. اگر مجموع حال و محل، یعنی این خطوط و محلشان را باهم جمع بزنیم می شود بیست و هشت. اگر موی سر و خط زیر چانه با استوا یعنی از وسط نصف شود خطوط اُمیه و آبیه هر یک هشت و در مجموع شانزده می شود. با احتساب حال و محل می شود سی و دو. به این ترتیب مشاهده می شود که انسان مظهر حروف قرآن و جاویدان است. سوره فاتحه اصل تمام قرآن است و هفت آیه دارد. هم چنین تعداد اسامی این سوره نیز هفت است؛ که نظیر خطوط هفتگانه اُمیه چهره انسانی می باشد. «اگر آمین هم گفته شود، هفت آیه می شود هشت آیه؛ موی سر هم اگر به مقتضای سنت از میان به دو سو باز شود می شود هشت. فاتحه فاقد هفت حرف است. در چهره حوا یعنی زن نیز هفت خط وجود ندارد. و از همین رو به فاتحه ام الکتاب گفته اند؛ و باز به همین دلیل است که بعد از قرائت فاتحه دست بر صورت می کشند.

سِرّ قرآن در حروف مقطعه ای است که در ابتدای بیست و نه سوره قرار دارد و جدا جدا خوانده می شود نه به صورت کلمه. تعداد این حروف، صرف نظرا از تکرارها، چهارده حرف است. الف، لام، را،

کاف، ها، یا، عین، صاد، طاء، سین، حا، میم، قاف، نون. در صورت بسط این حروف، حرف‌های ف، د، و نیز ظهور می‌یابند؛ و می‌شود هفده تا. به این هفده حرف، «محکّمات» گفته می‌شود و باقی حروف را که جمعیان می‌شود یازده حرف، «متشابهات» می‌خوانند.

حروفیه، نماز، وضو، حج، زکات، و تمام احکام دینی را به رقم‌های بیست و هشت، و سی و دو ارجاع می‌دهند و بر آدم یعنی انسان تطبیق می‌کنند.

حروف به عنوان کلام ازلی و ابدی خداوند، هیچگاه از او جدا نخواهند بود. این است که حروفیان موجودیت حروف را در عالم هستی مشاهده می‌کنند و در حقیقت هستی خداوند را مشاهده می‌کنند. آن‌ها معتقدند حروف به عنوان ظهورات الهی باید مورد بررسی و مذاقه قرار گیرند. آن‌ها با مشاهده حروف در هستی خودشان، در اصل خداوند را در وجودشان مشاهده می‌کنند.

فلسفه حروفی مبتنی بر همین مشاهده است و آن‌ها با دقت در ارزش‌های رقمی حروف، تعداد نقطه‌ها، تعداد حروفی که با تلفظ حرف‌ها حاصل می‌شود، حروف را با اعداد و ارقام مرتبط می‌دانند. به این ترتیب حروف، کلام، و ارقام در چارچوبی واحد ارزیابی می‌شود. برای نمونه ارقام واحدی که از دو محاسبه متفاوت حاصل شده باشند، با شباهت و عینیت موجودی که در بینشان هست ما را به نتایجی رهنمون می‌شوند. در تفسیرهای حروفی از رابطه بین حروف و ارقام و محاسبات گوناگون بسیار سخن می‌رود.

تفسیر و تأویل آیات قرآن و احادیث نیز براساس برخی کشفیات اندیشمندان حروفی انجام می‌شود. از این منظر بهتر است بگوییم تفسیر حروفی مبتنی بر نقل نیست و در واقع نوعی تأویل بشمار می‌رود. نیز باید تاکید نمود که تأویلات حروفیه کاملاً آزادانه، خاص و منطقی است. آن‌ها گاه معنای واقعی کلمات و گاه معنای مجازی آن را مورد نظر قرار می‌دهند، گاه با قرار دادن ویرگول در جایی غیرمعمول از آیه یا حدیثی، معنای متفاوتی به دست می‌دهند و به این ترتیب وسعت تفسیر و تحلیل‌های خود را گسترش می‌دهند. گذشته از همه مسایلی که بر این روش مترتب است، آن‌ها با این کار بر غنای مفهومی قرآن صحه می‌گذارند.

اصالت حروف در آفرینش

آفرینش با امری از سوی خداوند (کن) تحقق یافت.^۱ این «امر» که عبارت از یک «کلمه» است، به طور طبیعی از صداها و یا حروف تشکیل یافته است. چنین موضوعی فیلسوفان و مفسران دینی را

۱. کن فیکون به معنای باش، پس می‌شود، عبارت مشهوری است که چندین بار در قرآن به کار رفته است. برای نمونه: «إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» - آیه ۴۰ سوره نحل

بدانجا رهنمون شد که معتقد شوند حروف از منظر هستی‌شناسی، نسبت به آفریده‌های دیگر دارای نوعی اولویت و اصالت می‌باشند. به عبارت دیگر آن‌ها به این نتیجه رسیدند که حروف بنای اصلی هر مخلوقی را تشکیل می‌دهند.

به عنوان اولین نمونه مطلب مورد اشاره، می‌توان اعتقاد به لوگوس در نظرات نوافلاطونیان^۱ را ذکر کرد. قدرت ازلی نخستین بار به صورت کلام تجلی کرد؛ کلامی غیر متعین (کلام نفسی). در تجلی دوم، حروف در قالب نطق و بیان تجلی نمود (کلام لفظی). براساس این دیدگاه فلسفی، «اصل و جوهر همه موجودات در جهان، کلام است و هر چیز را باید کلمه‌ای متشکل از حروف تلقی کرد».

حروفیان نیز حروف را اساس وجود می‌دانند. آنان هم مانند بسیاری از فیلسوفان مسلمان، آیه هشتاد و دوم سوره یاسین را مبنای نظرات خود قرار می‌دهند که می‌فرماید: «هرگاه خداوند چیزی را اراده کند دستور «باش» می‌دهد و آن چیز بیدرتنگ وجود می‌یابد.» بنابر این آیه، خلقت براساس فرمان «کن» که متشکل از حروف است، تحقق می‌یابد. وقتی از منظر ظهور نیز به موضوع نگاه کنیم، مشاهده می‌شود که حرف بر نقطه استوار است. در این ارتباط حروفیان به دو سخن حضرت علی (ع) استناد می‌کنند. سخن اول آن است که سلسله اسرار الهی را تا نقطه می‌رساند و دیگر سخن این که می‌فرماید علم نقطه‌ای بود و نادانان آن را افزایش دادند. نقطه در این جا نماد وحدت است و حرف کنایه از کثرت می‌باشد. هر قدر وجود نقطه نسبت به وجود حرف اولویت داشته باشد و حرف وابسته بدان باشد، حرف در اظهار کمالات و تفسیر حقایق و معانی برتر از نقطه است و از این منظر نقطه به حرف وابستگی دارد. این است که خداوند پیامبر (ص) را با حروفی مانند طه مورد خطاب قرار داده و علی (ع) نیز خود را نقطه نامیده است.^۲

هر یک از حروف الفبا دارای ارزش عددی مشخصی است. به واسطه همین مطلب می‌توان ارزش عددی کلمه یا کلمات را محاسبه کرد. با اعداد به دست آمده نیز امکان دستیابی به نتایج معین وجود دارد. یهودیان و یونانیان براین علم واقف بوده‌اند. در جهان اسلام دانش مزبور ابجد و یا حساب جمل خوانده می‌شود. از این روش غالباً برای خبر دادن از آینده و یا برای تعیین تاریخ در متون ادبی

۱. فلسفه افلاطونی نوین یا نوافلاطونی (به انگلیسی: Neoplatonism) آخرین مکتب فلسفه یونان بود. فلوطین، فیلسوف یونانی، شکل قطعی فلسفه افلاطونی نوین را در قرن سوم میلادی به آن بخشید. فلاسفه دنیای کهن و هم‌چنین فلاسفه دوران رنسانس که امروزه «نوافلاطونی» طبقه بندی می‌شوند، خودشان را «افلاطونی» می‌خواندند.

۲. حدیثی از حضرت علی (ع) با این مضمون وجود دارد: کل قرآن در سوره حمد است و کل سوره حمد در بسم الله الرحمن الرحیم و کل بسم الله الرحمن الرحیم در باء بسم الله است و کل باء در نقطه زیر ب است. آن حضرت در ادامه می‌فرماید «من نقطه زیر باء هستم»

استفاده می‌شده است. اما حروفیان این مطلب را برای ایجاد ارتباط بین وجود و حروف مورد استفاده قرار داده‌اند.

حروفیان به لحاظ شکلی، حروف را به سه گروه تقسیم می‌کنند. مستقیم، منحنی و مدور. این سه شکل به سه حالت انسان در نماز شباهت دارد. ایستادن او در حالت قیام شبیه الف (ا) است، در حالت رکوع شبیه دال (د) می‌شود و در سجده مانند حرف میم (م) است. به این ترتیب انسان جامع همه اشکال حروف است و اسم آدم اشاره به این جامعیت می‌باشد. اجزای الف یعنی ا ل ف نیز دربرگیرنده همان سه نوع شکل می‌باشد: مستقیم (ا)، منحنی (ل) و مدور (ف). الف به دلیل این جامعیت در میان حروف دیگر از فضیلت بیشتری برخوردار است.

اسم الله نیز با اشکال مستقیم، منحنی و مدور حروف تشکیل دهنده اش (ا ل ه) جامع موجودات است. زیرا اسم هیچیک از موجودات خالی از این سه شکل نیست.

حروفیان فلسفه خود را بر اولویت جنبه هستی‌شناسانه حروف بنا نهاده‌اند. آفرینش با صوتی متشکل از حروف (کن) آغاز شده است. همه موجودات در جهان هستی بالقوه و یا بالفعل دارای صدا هستند و تعداد این صداها ۳۲ عدد در برابر ۳۲ حرف می‌باشد. اساس هستی بر این ۳۲ حرف استوار است. صداها در جمادات و نباتات به صورت بالقوه موجود است، اما در صورت برخورد آن‌ها با یکدیگر صداها پدید می‌آیند. حیوانات قادرند قسمی از این صداها را بر زبان بیاورند. در میان مخلوقات، این انسان است که می‌تواند تمام حروف را تلفظ کند.

بدان سبب که هستی بر حروف استوار است و اصولاً حروف تمام ابعاد وجود را دربرمی‌گیرد، حروفیان مجموعه حرف‌ها را، مخصوصاً حروف ۲۸ گانه کلام الله و حروف ۳۲ گانه‌ای را که فضل الله در بیانات خود به کار می‌برده است و هم‌چنین انسان را که اداکننده حروف است، مبنای فلسفه خود قرار داده‌اند.

کتاب حاضر

کتاب حاضر حاصل هفت سال تلاش و پژوهش فاتیح اوسلوار نویسنده و محقق جوان ترک است؛ این کتاب در واقع رساله دکتری اوست که در فرانسه از آن دفاع کرده است. نویسنده در مدت مذکور تمام منابع حروفی به زبان‌های فارسی و عثمانی را مطالعه کرده و در اثر خود به بررسی فلسفه حروفیه و تأثیرات این جریان بر ادبیات فارسی و ترکی پرداخته است. ویژگی اصلی این کتاب استفاده از منابع دست اول حروفی در آن می‌باشد طوری که ارجاعات در اغلب موارد به کتاب‌های اصلی حروفیان است.

صاحب این قلم خداوند سبحان را شاکر است که توفیق برگردان این اثر را به او داد. امید است

کتاب حاضر که بیش از یک سال برای ترجمه آن وقت صرف شده است در پژوهش‌های مرتبط با تاریخ تصوف و جریان‌های فکری کشور عزیزمان ایران به کار آید^۱.

داود وفایی

۱. در نگارش این مقدمه از منابع زیر استفاده شده است:
دنباله جستجو در تصوف ایران، دکتر عبدالحسین زرین کوب، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۶
مدخل حروفیه در دانشنامه جهان اسلام؛ اکبر ثبوت
مدخل حروفیان در لغتنامه دهخدا
مدخل حروف در دانشنامه جهان اسلام، مصطفی ذاکری
مدخل حروفیه در دانشنامه اسلام، عبدالباقی گولپینارلی
نسخه‌شناسی آثار حروفیان در کتابخانه مجلس / عاطفه بانک
حروفیه، فاتح اوسلوار، انتشارات کابلجی، استانبول (کتاب حاضر)

پیشگفتار

حروفیه جریانی فلسفی عرفانی است که در قرن چهاردهم میلادی توسط فضل‌الله [نعیمی] در ایران بنا نهاده شد و تأثیرات آن تا قرن هفدهم در آناتولی و بالکان آشکار بود. این جریان را می‌توان در دو دوره مورد مطالعه قرار داد: اول؛ دوره‌ای پنجاه ساله که مربوط به زمان راه‌اندازی این جریان توسط فضل‌الله و شاگردان او و ریشه دواندن آن در ایران و سرزمین‌های آذری زبان می‌شود. دوم؛ دوره پس از مرگ فضل‌الله است که با مهاجرت اندیشمندان حروفی مانند علی‌الاعلی، میر (سید) شریف، سید نسیمی و رفیعی به آناتولی و سوریه شروع می‌شود و تا قرن هفدهم در منطقه بالکان ادامه می‌یابد. با بررسی نسخه‌های خطی موجود می‌توان گفت حروفیه در طول دو قرن و نیم مذکور در قلمرو عثمانی دوران درخشانی را پشت سر گذاشته است.

آثار حروفی نگاشته شده در دوره اول، عموماً به فارسی است. آثار دوره دوم نیز غالباً ترجمه‌های کلی به ترکی است. رفیعی که از سوی نسیمی به آناتولی اعزام شد تا حروفیه را گسترش دهد و احتمالاً اولین حروفی‌ای است که وارد این منطقه شده است، در سال ۱۴۰۹ / قمری در کتاب «بشارت‌نامه» می‌گوید نگارش کتاب به زبان ترکی برایش دشوار بوده، بنابر این رفیعی کسی است که نحوه گسترش حروفیه در آناتولی در آثارش به خوبی نمایان است. روش او نیز بیان فلسفه حروفیه به زبان ترکی است.

اندیشه حروفی به دلیل ظلم و جور که در ایران و آذربایجان بر آن‌ها رفت مدت نیم قرن به حیات خود ادامه داد و آن‌گاه در سرزمین‌های آناتولی و بالکان تداوم یافت. همان‌طور که در یادکردی از رفیعی ذکر شد، تنها راه گسترش حروفیه در مناطق جدید، بیان مطالب فلسفی این جریان به زبان ترکی بود. بدین سبب نخستین آثار حروفی به زبان ترکی - هم‌چون مطالب عبدالمجید بن فرشته - در واقع ترجمه نظام‌مند اولین منابع حروفیه از زبان فارسی، یا به عبارت دیگر حروفیه مدتی در حال تکرار خود بوده است.

تأثیرگذار بودن بیان شعرگونه مطالب بر مردم آناتولی که غالباً خواهان شنیدن سخنان شفاهی بوده‌اند، قابل انکار نیست. شهرت شخصیت‌هایی چون یونس امره، حاجی بکتاش، پیر سلطان ابدال و حتی مولانا در این جغرافیا، علاوه بر غنای اندیشه آنان، به دلیل انتخاب شعر به عنوان مناسب‌ترین

راه برای برقراری ارتباط با مردم آناتولی بوده است. شعر در آثار حروفی نگاشته شده در آناتولی و بالکان، جایگاه درخور توجهی دارد. شاعرانی مانند پناهی، مثالی، محیطی، و عرشی، فلسفه حروفیه را به زبان شعر بیان کرده و به این طریق با توده‌ها ارتباط برقرار نموده و اندیشه مورد نظرشان را گسترش می‌داده‌اند.

این را که چرا حروفیه به لحاظ فلسفی در سال‌های نخست عمر خود نتوانست پیشرفت چندانی داشته باشد، باید در جغرافیایی جستجو کرد که این مکتب در آن تولد یافته است. همان‌طور که گفتیم حروفیه پس از ایران و آذربایجان، برای بار دوم و به زبان ترکی متولد شد. فشارهایی که در آناتولی بر حروفیه وارد شد، این بار جریان حروفی را مجبور به حرکت به سوی بالکان نمود. آن‌ها منطقه بالکان و مخصوصاً آلبانی را انتخاب کردند زیرا از مرکز دور بود و نیز عثمانی با تازه مسلمانان خوش‌رفتاری می‌کرد. چنان‌که بسیاری از طریقت‌های صوفیانه مخالف اسلام سختگیرانه، عصر طلایی حیات خود را در مناطق مختلف بالکان سپری کرده‌اند. در نتیجه باید گفت مهم‌ترین ویژگی آن دسته از آثار حروفی که در دو قرن و نیمه پایانی حیات این جریان یعنی تا سده هفدهم میلادی نوشته شد، این است که در جغرافیای جدید آناتولی و بعد از آن در منطقه بالکان بروز یافته‌اند. باید یادآوری کرد بیشتر آثار فلسفه حروفیه به دلیل تبلیغی بودن در سطح می‌مانده است.

البته کتاب‌های نویسندگان نسل دوم حروفیه مانند شرح‌های جاوید علی، وحدت‌نامه مقیمی، و تا حدودی سلطنت‌نامه ایشکورت دده در تبیین فلسفه حروفیه موفق بوده‌اند.

حروفیان تمام اندیشه‌ی خود را بر «حرف‌ها» بنا نهاده‌اند، لذا بایستی میان آنان و جریان‌های دیگر فلسفی - عرفانی که گاه به مناسبت، از حروف سخن می‌گفتند تفاوت قائل شد. از این منظر باید گفت حروفیه در دنیای اسلام و حتی در بین تمام مکاتب فکری جهان از جایگاه ممتاز و بی‌نظیری برخوردار است.

تعداد حروف الفبا ۳۲ حرف است. این‌ها بیش از آن که واسطه‌ی اساسی در آفرینش باشند، بنای تمام هستی و موجودات را تشکیل می‌دهند. همین حروف اساس و غایت تمام عبادات از جمله نماز، روزه، و حج را تشکیل می‌دهند. حروفیان در سایه همین تفسیر فراگیر است که حتی به تبیین مفاهیم انجیل و تورات هم برخاسته‌اند.

حروف به عنوان کلام ازلی و ابدی خداوند، هیچ‌گاه از او جدا نخواهند بود. این است که حروفیان با مشاهده موجودیت حروف در عالم هستی در حقیقت هستی خداوند را مشاهده می‌کنند. آن‌ها معتقدند حروف به عنوان ظهورات الهی باید مورد بررسی و مذاقه قرار گیرند. آن‌ها با مشاهده حروف در هستی خودشان، در اصل خداوند را در وجودشان مشاهده می‌کنند.

فلسفه حروفی که مبتنی بر همین مشاهده است، با دقت در ارزش‌های رقمی حروف، تعداد نقطه‌ها، تعداد کلماتی که با تلفظ حرف‌ها حاصل می‌شود (از این پس: انبساط یا اجزا)، حروف را با

اعداد و ارقام مرتبط می‌دانند. به این ترتیب حروف، کلمات، و ارقام در چارچوبی واحد ارزیابی می‌شود. برای نمونه ارقام واحدی که از دو محاسبه متفاوت حاصل شده باشند، با شباهت و عینیت موجودی که در بینشان هست ما را به نتایجی رهنمون می‌شوند. در تفسیرهای حروفی از رابطه بین حروف و ارقام و محاسبات گوناگون بسیار سخن می‌رود.

تفسیر و تأویل آیات قرآن و احادیث نیز براساس برخی کشفیات اندیشمندان حروفی انجام می‌شود. از این منظر بهتر است بگوییم تفسیر حروفی مبتنی بر نقل نیست و در واقع نوعی تأویل به شمار می‌رود. نیز باید تأکید نمود که تأویلات حروفیه کاملاً آزاد، خاص و منطقی است. آن‌ها گاه معنای واقعی کلمات و گاه معنای مجازی آن را مورد نظر قرار می‌دهند، گاه با قرار دادن ویرگول در جایی غیر معمول از آیه یا حدیثی، معنای متفاوتی به دست می‌دهند و به این ترتیب وسعت تفسیر و تحلیل‌های خود را گسترش می‌دهند. گذشته از همه مسایلی که بر این روش مترتب است، آن‌ها با این کار بر غنای مفهومی قرآن صحه می‌گذارند.

در این خصوص فعلاً یکی دو نمونه را ذکر می‌کنیم. حروفیه «میوه ممنوع» در داستان آدم و حوا را به «نخوردن چیزی» تأویل می‌کنند و منظور از «کتاب مسطور» فی «رق منشور» را خطوطی می‌دانند که در چهره آدمی نقش بسته است. در تأویلات حروفیه، از کشتی نوح، قلم، و از دریا مرکب فهم می‌شود. مفسران ممکن است تا امروز با نوع تفسیر حروفیان آشنا نشده باشند و یا نخواسته باشند که چیزی از آن بدانند اما تفسیر آن‌ها از نظر تاریخ علم تفسیر، نمونه‌ای خاص و با اهمیت است.

آثار متأخر حروفیان را می‌توان در قرن هفدهم جستجو کرد. اما تأثیر حروفیه بر جریان‌های دیگر فلسفی و عرفانی به احتمال زیاد تا دوره‌های اخیر تداوم داشته است. لازمه انجام تحقیقی همه جانبه در این خصوص به شناخت درست، فراگیر و دقیق این جریان بستگی دارد. در آن صورت می‌توان چگونگی تأثیرپذیری طریقت‌هایی چون بکتاشیه، حمزویه، ملامتیه، شاملویه، آتش‌بلیه و عیسی‌بلیه از حروفیه را تبیین کرد.

اما در مورد مطالعاتی که پیرامون حروفیه صورت گرفته است باید گفت عجیب است با این که حروفیه در برخی مقاطع زمانی در کانون توجه پژوهشگران قرار داشته، اولین تحقیقات علمی در این خصوص مربوط به سال‌های پایانی قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم می‌شود. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقالات ادوارد براون در کتاب *uroufisTextes Persans Relatifs a la Secte des* Ho اشاره کرد که دربرگیرنده برخی متون حروفی است و توسط کلمنت هوآرت منتشر شده، و رضا توفیق نیز بر آن مقدمه‌ای نوشته است. اوایل قرن بیستم به ویژه در ایران پژوهش درارتباط با حروفیه وسعت یافت. محمد جواد مشکور، علی میر فطروس، الف. توکلی، و الف. ورداسبی از نویسندگانی هستند که در این زمینه کتاب‌هایی نوشته‌اند، هرچند که ممکن است آثار آن‌ها چندان علمی هم نباشد. در همان دوره یکی از ترک‌ها به نام رفقی ملول مریچ در دانشگاه استانبول پیرامون حروفیه

رساله‌ای تهیه کرده است.

اواسط قرن بیستم‌ای. حکمت ارتایلان متونی را که شامل نمونه‌هایی از ادبیات ترکی حروفیان می‌شد منتشر کرد. مقالات و کتاب‌های صادق کیا و عبدالباقی گولپینارلی و رساله آلپ ارسلان از تحقیقاتی است که در دوره مذکور به انجام رسیده است. رساله‌های حسام الدین آکسوح، ذوالفقار، مقالات ج. مختار، حامد الگار، ای. ملیکوف، ز. کاراگوزلو و س. بصیر؛ و آثار ر. خیای و یعقوب آژند را می‌توان به عنوان نمونه‌ی کارهایی که در دوره‌های اخیر پیرامون حروفیه صورت گرفته برشمرد.

متأسفانه باید گفت آثار مذکور به رغم ارزش و اهمیتی که هریک به طور جداگانه دارند، پاسخگوی علاقمندان به آشنایی درست با حروفیه نمی‌باشد. دلیل آن هم این است که حروفیه در آثار نامبرده به صورت همه جانبه مورد بررسی قرار نگرفته؛ منابع اصلی و دست اول به صورت کامل مورد مطالعه قرار نگرفته و انبوهی از خطاهای اعتقادی جافتاده بی‌هیچ ارزیابی خاصی دوباره تکرار شده است. برای مثال سؤال‌های ساده زیر هم چنان بی‌پاسخ مانده است:

فضل‌الله چنان چه ادعا می‌شود آیا مهدی است، مسیح است یا خدا؟

حروفیان آیا به جهان دیگر معتقدند؟

فضل‌الله در مقایسه با حضرت محمد(ص) و حضرت عیسی(ع) از چه جایگاهی برخوردار است؟

وانگهی در ارائه پاسخ سؤالات زیر نیز دشواری‌هایی وجود دارد:

حروفیه آیا یک دین است یا شاخه‌ای از اسلام به‌شمار می‌رود؟ حروفیان آیا تحت تأثیر

مسیحیت بوده‌اند؟ آن‌ها آیا نصیری (نامی برای علویان سوریه م.) هستند؟ یا ماتریالیستند؟

برخی محققان بدون مراجعه به منابع اصلی حروفی سعی کرده‌اند به سؤالات ذکر شده پاسخ دهند و در این مسیر احکام قطعی و به زعم خود اطمینان‌بخشی نیز صادر نموده‌اند. تأسف‌بارتر این که نظرات برخی چهره‌های مؤثر بدون هیچ سؤال و جوابی از سوی نسل‌های بعد مورد پذیرش قرار گرفت و به عنوان حقایق غیر قابل تغییر پذیرفته شد. به دلیل چنین مطالب خطایی که سال‌های سال تکرار می‌شده است، امروز حروفیه به غلط با جریان‌های دیگری که برای حروف اهمیت قائلند مقایسه می‌شود.^۱

در برخی آثار حتی تعبیر تحقیرکننده‌ای به کار رفته است؛ که البته می‌توان گفت چنین مطالبی در واقع تداوم تعقیب و گریزهای تاریخی علیه حروفیان در عرصه علم و دانش است. آثار مزبور اگر بعد از به دست آوردن شناخت کافی نسبت به حروفیه مطالعه شود، خواننده بی‌شک خواهد اندیشید: «این تحقیرها و توهین‌ها آیا واقعاً برای دور نگاه‌داشتن جامعه و مردم از این جریان صورت می‌گیرد؟» مطمئن‌ترین کار ارائه متون ادبی حروفیه با ملاحظه آوانگاردی آن‌هاست. البته در این قبیل

۱. نک: کتاب‌هایی که اخیراً توسط ر. خیای، م. اونور، و ی. یانسیزاوغلو به چاپ رسیده است.

کارها نیز نیازی به مقایسه متن با منابع اصلی احساس نشده، نظری قطعی بیان نگردیده و به آوانگاردی‌های محدود بسنده شده است. بنابراین بهترین نتیجه به‌دست آمده یادآور تعریف فیل توسط نابینایان براساس داستانی است که مولانا بیان می‌دارد.

علاوه بر همه این موارد، دشواری‌های خاص متون حروفی، ارائه آثار متعدد از سوی محققان را محدود می‌کند. مخصوصاً نگارش متون اصلی به فارسی و لهجه‌های مختلف این زبان، لزوم اطلاع از صرف و نحو عربی برای آگاهی از تفسیر آیات و احادیث، نظام‌مند نبودن آثار، گردآوری مطالب متنوع زیر یک عنوان مشخص و واحد، استفاده حروفیان از تعبیر کوتاه شده که خاص خودشان است، تحقیق در منابع دست اول و اصلی را دشوار می‌سازد. هم‌چنین باید اضافه نمود متون مرتبط با حروفیان معمولاً بیش از یک اثر را در خود جای می‌دهند، اقتباس‌هایی که روشن نیست آغاز و انجامشان کجاست و توسط چه کسی نوشته شده و با این حال در مجموعه‌های واحدی گردآوری شده‌اند؛ این قبیل مسایل کار تحقیق در آثار حروفیه را دشوارتر می‌کند. فهرست‌های تدوین شده در خصوص متون حروفی نیز دارای اشکالات فراوانی است.

پژوهش حاضر با آگاهی از دشواری‌های مزبور آغاز شد. در حد امکان متون حروفی را جمع‌آوری کردیم «۱۴۰۰ صفحه». تمام این آثار را که به زبان فارسی و ترکی بود مطالعه و کتاب‌هایی را که از آن دو نسخه موجود بود مورد مقایسه قرار دادیم. مطالب فراوانی به‌دستمان رسید که امکان درج همه آن‌ها در این کتاب وجود نداشت. مطالبی که به خودی خود قابلیت کتاب شدن را دارند.

کتاب حاضر با معرفی حروفیان و آثارشان شروع می‌شود. ما در اثنای انجام تحقیق حاضر متوجه شدیم بسیاری از مطالب موجود در دانشنامه‌ها که درمورد حروفیه نگاشته شده مملو از خطا و اشتباه است و در کتاب خود سعی بر اصلاح آن‌ها کردیم. نام برخی از کتاب‌ها را مشخص کرده‌ایم و در برخی موارد نیز نام نویسندگان را ثبت نموده‌ایم. ما در این کتاب پیش‌زمینه‌های تاریخی حروفیه را تبیین نموده و در نکات اساسی، آن‌ها را با دیگرانی که به موضوع حروف پرداخته‌اند مقایسه کرده‌ایم. بدین شکل در واقع معرفی حروفیه از جانب خود حروفیان بیان گردیده است. به همین ترتیب با استفاده از متون اصلی حروفیه و سرنخ‌های موجود مشخص نموده‌ایم که آن‌ها خود را در کدام موقعیت دینی می‌دیدند و مذهبشان چه بوده است؟ نیز دیدگاه حروفیان در خصوص تصوف را با ذکر نمونه‌هایی بیان کرده‌ایم. به این ترتیب با مراجعه به نوشته‌های اصلی حروفیان خطا بودن بسیاری از نظرات مطرح درباره آن‌ها به اثبات رسیده است.

پس از این مقدمه، درباره دیدگاه حروفیان در این که «حروف» تشکیل‌دهنده بنیان هستی است توضیحاتی داده‌ایم و از این طریق کلیدهای لازم را برای فهم فلسفه حروفیه در اختیار خوانندگان گذاشته‌ایم. در ادامه بحث ارتباط حروف و خدا به نوع نگاه حروفیان به خداوند، اسمای الهی و وجود باری پرداخته‌ایم. در همین ارتباط جایگاه فضل‌الله در این بحث روشن شده است. در بخش‌های بعد

برتری انسان نسبت به آفریده‌های دیگر براساس تفسیر حروفی توضیح داده شده و نتیجه‌گیری شده است که حروفیان بیش از آن که در صدد تأسیس فلسفه‌ای اومانیستی باشند، انسان را به عنوان مفهومی معین و حتی گاه فضل‌الله را به عنوان «انسان کامل» بسیار ارج می‌نهند و به این طریق اعتقاد خود به نوعی انسان‌گرایی را به نمایش می‌گذارند. در همین بخش نمونه و شکل‌هایی از باور حروفیان مبنی بر مشاهده خداوند در انسان ارائه شده است.

با مروری بر تفاسیر حروفی در خصوص پیامبران درمی‌یابیم که بیشترین مطالب ذکر شده آن‌ها درباره حضرت آدم (ع) و حضرت محمد (ص) است. در این بخش که درباره پیامبران نوشته شده، تأثیر تفاسیر حروفی مشاهده می‌شود. نظرات حروفیه درباره عبادات و جهان پس از مرگ، از این منظر که به بسیاری از ادعاها پاسخ می‌دهد، اهمیت می‌یابد. در این بخش عقیده کسانی که معتقدند حروفیان عبادات را لازم نمی‌دانند و قیامت را قبول ندارند مورد بررسی قرار می‌گیرد و دلیل طرح چنین مسائلی توضیح داده می‌شود و روشن می‌گردد که حروفیان واقعاً چنین نظرانی دارند یا نه.

ادبیات آغازین حروفی توسط فضل‌الله [نعیمی]، [عمادالدین] نسیمی و علی [الاعلی] را در عرصه ادبیات فارسی و ترکی به هیچ وجه نمی‌توان کم اهمیت دانست. این یک حقیقت است که پس از آشنا شدن با آموزه‌های حروفیه، دیوان‌ها و مثنوی‌های متعلق به حروفیان بسیار بهتر و درست‌تر می‌توان آن‌ها را دریافت و شرح کرد. در تحقیق حاضر هنگام بیان اندیشه‌های حروفیان، نظرات فضل‌الله یا حروفیان دیگر در موارد مشخص، به ترتیب توضیح داده می‌شود. اگر موضوعی در میان حروفیان به شکل عقیده‌ای عام درآمده باشد، ما هنگام بحث در آن خصوص از تعبیر «به عقیده حروفیان» استفاده کرده‌ایم. اگر در همان موضوع دیدگاه متفاوت دیگری مطرح باشد، نام فرد و کتابش را ذکر کرده و به اختلاف موجود اشاره کرده‌ایم. بنابراین کتاب حاضر از ابتدا تا انتها به شکلی فراگیر عقیده تمام حروفیان در باره موضوعی خاص و احیاناً اختلافات موجود در میان آن‌ها را یک‌جا عرضه می‌کند.

در این تحقیق به شرح اشعار نپرداخته‌ایم اما هر جا که لازم بوده است ابیات برگزیده از اشعار حروفیان را ذکر نموده و به این ترتیب انعکاس فکر حروفی در ادبیات را روشن ساخته‌ایم. (چهار دیوان و نسخه‌های خطی متعدد دربرگیرنده مثنوی‌های گوناگون مورد مطالعه نگارنده قرار گرفته است.) در همین ارتباط اشعار کسانی که از عقاید حروفیان جانبداری کرده یا دیدگاه متفاوت دیگری را بیان داشته‌اند ذکر شده است.

کتابی که در دست دارید برای معرفی کامل حروفیه نگاشته شده و در پژوهش‌های دیگری که پیرامون تأثیر حروفیه بر گروه‌های دیگر، ادبیات حروفی، و نحوه نگاه حروفیان به مسایل مختلف در آینده نوشته خواهد شد، به کار خواهد آمد. از اورهان اریش، ایلکر اوینیک ار، سجاد حسینی، ایوب باجانلی و توفیق دمیر که در آماده سازی این کتاب از حمایت و همکاری دریغ نکرده‌اند، سپاسگزارم.

حروفیه

از ابتدا تا کنون با استاد به منابع دست اول

تاریخ حروفیان

مقدمه

معمولاً ظهور جریان های فکری با بررسی زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی زمانه مورد بحث و بررسی قرار می گیرد. این مطلب ممکن است دلایل متفاوتی داشته باشد و برای برخی جریان ها کار سنجیده ای به شمار رود. اما چنین شیوه ای برای بررسی ظهور حروفیه کار درست و لازمی نیست. عده ای از محققان می کوشند بین شرایط اجتماعی دوره تیمور و پیدایش جریان حروفیه ارتباطی برقرار کنند. ما خواهیم دید که مسایل مورد توجه حروفیان و نتایجی که به دست آورده اند، مختص دوره ای خاص نیست. در این ارتباط در آثار حروفی که بایستی اساس کار تحقیق قرار گیرد، هیچ بحثی از اوضاع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی زمانه نشده است. این موضوع البته کار بررسی فلسفه حروفی در سایه حوادث تاریخی را دشوار می کند.

کتاب های تاریخ در باره حروفیان جز قتل عام هایی که در دوره تیمور، آق قویونلوها و عثمانی با آن مواجه بوده اند چیز دیگری نمی گویند. همه این کشتارها نیز برای «خطرناک» قلمداد کردن حروفیان در طول تاریخ کافی بوده است. از سوی دیگر این هم حقیقتی است که حروفیان با مخالفان فکری خود برخورد مناسبی نداشته اند. این که فضل الله را گاه مظهر خدا می خوانده اند و گاه مهدی یا مسیح، طبیعی است که موجب ناخرسندی عالمان دینی آن روزگار می شده است. می دانیم که در تاریخ اسلام عرفایی

مانند منصور حلاج، بایزید بسطامی و یا جنید بغدادی نیز به دلایل مشابه مورد نقد و محاکمه علمای سنتی قرار می‌گرفته و حتی برخی از آن‌ها به مرگ محکوم شده‌اند. پیچیدگی در افکار و گفتار حروفیان مخصوصاً موجب زمینه‌سازی برای چنین نقدها و محاکمه‌هایی می‌شده است. در برخی مواقع نزدیکی حروفیان به قدرت سیاسی موجب نگرانی حاکمان دینی می‌شده و آن‌ها برای محافظت از قدرت خویش تدابیری در جهت تصفیه حروفیان اتخاذ می‌کرده‌اند.

حروفیان تا زمان اعدام فضل‌الله در زمان تیمور، هیچ‌گاه با حکومت درنیفتاده بودند. آن‌ها اما پس از این حادثه، اعتراض خود را به شکل سازماندهی شده بروز دادند. البته هیچ نشانه‌ای هم دال بر این که هدف آنان از تظاهرات و شورش، به‌دست گرفتن حکومت باشد وجود ندارد. سخنان سیاسی موجود در متون حروفی و نمونه‌های به جا مانده از قرن نوزدهم نشان می‌دهد که موضوع از تحقیر تیمور و میرانشاه فراتر نمی‌رفته است. از این منظر اگر بررسی جایگاه حروفیان در تاریخ را با نگاهی به عهد تیمور آغاز کنیم مفید خواهد بود.

حروفیه در زمان تیمور و میرانشاه

اوایل قرن هشتم ه.ق، در زمان ایلخانیان، تبریز که پلی بود بین کشورهای منطقه مدیترانه و آسیای مرکزی و شرق آسیا، از مراکز تجاری بسیار مهم جهان محسوب می‌شد.^۱

تیمور، استرآباد را در سال ۷۸۶/۱۳۸۴، و اصفهان را در سال ۸۰۰/۱۳۹۷ تحت حاکمیت خود درآورد.^۲ تیمور با علم بر این که لازمه داشتن حکومتی قدرتمند، برخوردار بودن از پایه‌های مستحکم اقتصادی است، در برابر کشاورزی ویران شده منطقه، به حمایت از بازرگانی و صنعت پرداخت. نساجی، صنایع چوب و تولید سلاح بخش اعظم تجارت در زمان او بود. تولید در بخش‌های مزبور تا قرن شانزدهم میلادی ادامه داشت.

۱. علی میرفطروس، جنبش حروفیه، نهضت پسیخانیان و نقطویان، ص ۲۰.

۲. روشن خیای، حروفیه، ۱۳۷۸ ه.ش، ص ۲۲۱.

در آن دوره در برابر ساختار اقتصادی متشکل از صنعتکاران، خان‌ها (بیگ‌های فئودال) و میرهایی قرار داشتند که منابع مواد خام در اختیار آن‌ها بود. طبق نظر میرفطروس، افزایش قیمت مواد خام، صاحبان حرفه‌های گوناگون و پیشه‌وران را به رقیبان همیشگی فئودال‌ها تبدیل کرد. نام «حروفی» نیز از صاحبان «حرفه»‌های مختلف که به مبارزه با فئودال‌ها برخاسته و در برابرشان مقاومت می‌کردند، اقتباس شده است.^۱ میرفطروس معتقد است هدف اصلی حروفیان در عرصه سیاست، جنگ با حاکمیت فئودالی تیمور و اهداف اجتماعی و اقتصادی آن‌ها نیز ایجاد مساوات و از میان برداشتن هرگونه ظلم و ستم بود. قاعده اصلی در منابع حروفی تأمین برابری در بین انسان‌ها و پایان دادن به ستمگری قدرتمندان اعلام می‌شود. در بُعد فلسفی نیز حروفیه جریانی انسان‌محور است و رسیدن به انسانی خداگونه را هدف اساسی خود می‌داند.^۲

همین دیدگاه معتقد است فضل‌الله در سال ۷۸۶ / ۱۳۸۴ در بین یارانش، مهدویت خود را اعلام کرد و به طور پنهانی از آنان بیعت گرفت تا در زمان مناسب مسلح شده، خروج نمایند.^۳

احمد یاشار اوجاق می‌نویسد: «حروفیه براین باور است که «قطب» از جایگاه دینی و سیاسی توانمند برخوردار است. این که حروفیان از زمان فضل‌الله به بعد چندین بار اقدام به خروج علیه حکومت تیمور کردند، خود نشانه‌ای دال بر همین اعتقاد است.»^۴

البته با بررسی دقیق منابع حروفیه مشاهده می‌شود که از چنین اهداف سیاسی و یا دینی - اجتماعی هیچ سخنی به میان نیامده است. در آثار حروفیان سراغی از فعالیت‌های خشونت‌آمیز و گروهی که در پی اهداف مذکور باشند دیده نمی‌شود.

اهمیتی که فلسفه حروفی به انسان می‌دهد و اساساً انسان را در مرکز تأملات خود قرار می‌دهد، امر مبرهنی است. اساس اهمیت به انسان از سوی حروفیان را می‌توان در

۱. علی میرفطروس، جنبش حروفیه، نهضت پسیخانیان و نقطویان، ص ۲۷.

۲. پطروشفسکی، نهضت سربداران، ص ۲۶؛ به نقل از میرفطروس، همان اثر، ص ۳۸، ۳۷.

۳. کامل مصطفی الشیبی، الفكر الشیعی و النزعه الصوفیه حتی مطلع القرن الثانی عشره الهجری، ۱۹۶۶، ص ۱۸۱؛ به نقل از مصطفی اونور، حروفیه و قرآن، نمونه نسیمی، ۲۰۰۳، ص ۶۲.

۴. الف، یاشار اوجاق، زنداغه و ملاحده در جامعه عثمانی، ۱۹۹۸، ص ۲۶۶.

ظلم و ستمی که در دوره حکومت تیمور بر مردم روا می‌داشته‌اند، جستجو کرد. انسان در آن زمان موجود بی‌ارزشی قلمداد می‌شد. البته ارزش والای انسان در اعتقاد حروفیان بیش از ظلم و جور تیمور با آموزه‌های دینی مرتبط است و ما در جای مناسب به این موضوع خواهیم پرداخت.

داستان غم‌انگیز حروفیان با اعدام فضل‌الله شروع می‌شود. درباره اعدام فضل‌الله دلایل متعددی ذکر شده است ولی منطقی‌ترین آن‌ها نامه‌ای است که فضل‌الله به تیمور فرستاد. فضل‌الله در این نامه تیمور را به ترک استفاده نامشروع از قدرت دعوت می‌کند و از او می‌خواهد منافع شخصی و خانوادگی را رها نموده، برابری مردم را در نظر داشته، با گذشت و خویشتن‌داری حکومت کند تا بتواند سعادت ملت را تأمین نماید. تیمور با خواندن این نامه عصبانی شده فرمان دستگیری فضل‌الله و تبعید او از آذربایجان را صادر می‌کند. میرانشاه حاکم آذربایجان و پسر تیمور، او را دستگیر و زندانی می‌کند.^۱

ابن حجر عسقلانی هم عصر فضل‌الله می‌گوید: «فضل‌الله بن ابی محمد تبریزی از زاهدان اهل بدعت، تیمور را به اتحاد (وحدت انسان و خدا) دعوت کرد و به همین دلیل تیمور فرمان داد او را بکشند. میرانشاه پسر تیمور وقتی از خواسته پدر آگاه شد، با داستان خود فضل‌الله را به قتل رساند. به دستور تیمور جسد او را در ربیع‌الآخر ۸۰۴ سوزاندند.»^۲

حروفیه در زمان شاهرخ

حروفیان پس از اعدام فضل‌الله با هدف انتقام گرفتن از تیمور و خاندانش، دست به شورش زدند. قیامی که در سال ۸۰۸ / ۱۴۰۵ در خراسان وقوع یافت توسط شاهرخ پسر تیمور سرکوب شد. یک سال بعد شورش دیگری در مازندران رخ داد. در هرات نیز حروفیان علیه حکمرانان فعالیت داشتند لذا شاهرخ دستور داد ریشه حروفیان در آن جا نیز خشکانده شود.^۳

۱. ورداسبی، نمدپوشان، ۱۳۵۸ ه.ش، ص ۵۵.

2. Hellmut Ritter. Die Anfänge der Hurufisette. Oriens.no7.1954.p1.54

۳. صادق کیا، واژه‌نامه گرجانی، ۱۳۳۰ ه.ش، ص ۲۳.

شاهرخ احتمالاً به دلیل اعمالی که مرتکب شده بود روز جمعه ۲۳ ربیع الآخر ۸۳۰/ ۲۱ فوریه ۱۴۲۷ هنگام ورود به مسجد هرات از سوی احمد لر یکی از مریدان فضل‌الله با چاقو مورد سوء قصد قرار می‌گیرد.^۱ احمد لر را همان جا در دم می‌کشند. میرزا بایسنقر پسر شاهرخ با کلیدی که از جیب احمد لر به دست آمده بود تحقیقاتی به عمل می‌آورد و به این ترتیب خانه اجاره‌ای احمد در بازار شهر را می‌یابد. در ادامه متوجه می‌شوند که احمد در آن جا عرق چین می‌دوخته و مولانا خطاط معروف نیز به خانه او رفت و آمد داشته است. مولانا را دستگیر و در چاهی در قلعه اختیارالدین هرات زندانی می‌کنند. نیز خواجه عدودالدین خواهرزاده فضل‌الله (یا نوه‌اش)^۲ را همراه با گروهی از حروفیان دستگیر و به قتل می‌رسانند (و شاید می‌سوزانند).

برخی مانند امیر نورالله نوه فضل‌الله و غیاث‌الدین نیز دستگیر و پس از محاکمه‌هایی طولانی آزاد شده‌اند.

قاسم انوار مؤلف «انیس العارفین و انیس العاشقین» را که با احمد لر مراوداتی داشته و با حروفیان مرتبط بوده و گفته می‌شود مشوق احمد در سوء قصد به انجام رسیده بوده نیز دستگیر می‌کنند؛ اما به دلیل شهرتی که داشته است به او آسیبی نرسیده و فقط از هرات تبعید می‌شود. انوار که در این ارتباط غزلی هم سروده است به سمرقند رفت و در آن جا با حمایت میرزا الغ بیگ به زندگی خود ادامه می‌دهد. البته بعدها به خراسان باز می‌گردد.^۳

سید صائن‌الدین از علمای آن روزگار که صاحب رساله محمدیه، کتاب المباحث، و رساله سوال‌الملوک به زبان‌های عربی و فارسی بوده است رانیز به جرم ارتباط با احمد لر دستگیر و زندانی می‌کنند.^۴

۱. حبیب‌السیر، به نقل از ریتز، همان اثر، ص ۱۸؛ عبدالباقی گولپینارلی، فهرست متون حروفیه، ۱۹۸۹، ص ۲۶؛ برای ۲۳ جمادی الثانی نک: قزوینی، خلد برین، روضه ششم و هفتم، به کوشش میرهاشم محدث، ۱۳۷۹، ص ۴۶۹. ۲. ۱۱. حسام‌الدین آکسو، حروفیه، DIA جلد ۱۸، ۱۹۹۸، ص ۴۰۹.

۳. حبیب‌السیر، جلد سوم، ص ۱۵/۶-۱۷/۶؛ به نقل از ورداسبی، همان اثر، ۱۳۵۸ ه.ش، ص ۵۸ و ۵۹؛ شمس‌الدین سخاوی، الدعوالعامی لاهل قرن التاسع، ۱۹۳۴، جلد ۶، ص ۱۷۳؛ ع. گولپینارلی، همان، ۱۹۸۹، ص ۲۶-۲۷؛ محمد طوسی، مجمع‌التهای و محضر الامانی.

۴. ورداسبی، نمدپوشان، ۱۳۵۸ ه.ش، ص ۶۲-۵۹.

شکی نیست که در لرستان به جز احمد لر، حروفیان دیگری هم بوده‌اند. شاعری به نام ملاپریشان و فردی به نام سید ابدال طاهری که حروفیان را در خانه خود جمع کرده و اشعار او را برایشان می‌خوانده است، از نام‌های مطرح دیگر است.^۱

براساس منابع موجود آخرین اقدام حروفیان در دوره مذکور، شورش است که به رهبری حاجی سرخ در اصفهان ترتیب می‌دهند و دو تن از فرزندان عبدالصمد از امرای شاهرخ را به قتل می‌رسانند.^۲

حروفیه در زمان جهانشاه

پس از خاندان تیمور، قراقویونلوها وارد عرصه تاریخ می‌شوند. جهانشاه حکمران قراقویونلو خصم شاهرخ بود. بین این دو حکمران جنگی ۲۹ ساله از ۸۱۰/۱۴۰۷ تا ۸۳۹/۱۴۳۵ جریان داشته است.

جهانشاه که از سال ۸۳۹/۱۴۳۶ تا ۸۷۲/۱۴۶۷، دوره گسترش حروفیه در تبریز، حکمرانی می‌کرد، پس از به دست گرفتن حکومت تمام مُلک قراقویونلو به استثنای عراق، توانست دولت قراقویونلو را تبدیل به یک امپراتوری کند. او در دوره زمامداری اش نخستین جنگ را با گرجستان ترتیب داد. جهانشاه در این جنگ پس از فتح تفلیس به تبریز بازگشت ۸۴۳/۱۴۴۰. پیش از حمله دوم او به گرجستان ۸۴۷/۱۴۴۴ در تبریز اقداماتی علیه حروفیان به انجام رسید.^۳

از سوی دیگر بین جهانشاه و حروفیان در برخی مواقع ارتباط دوستانه و تبادل اخبار هم وجود داشته است. دختر فضل‌الله^۴ - قره‌العین فضل، وصی او، کلمه الله هی‌العلیاء^۵ و یکی از حروفیان به نام یوسف، در تبریز سعی در تبلیغ مرام حروفیه داشته‌اند. بر اساس نقل «مزارات» حروفیان با جهانشاه ارتباط نزدیکی برقرار کرده بودند و

۱. علی محمد ساقی، زمینه ایرانشناسی، ص ۳۵؛ به نقل از خیای، حروفیه، ۱۳۷۸ ه.ش، ص ۲۳۷.

۲. یعقوب آژند، حروفیه در تاریخ، ۱۳۶۹ ه.ش، ص ۸۷؛ خیای، همان، ص ۲۳۵.

۳. تاریخ بزرگ اسلام، جلد ۸، ۱۹۹۲، ص ۴۷۰.

۴. «از اولیا و شاعران بزرگ زمان بود.» نک: روضه اطهر، حشری تبریزی، ۱۳۰۳، ص ۷۲؛ به نقل از ورداسی،

همان، ص ۶۲. ۵. سید اسحاق، محرم‌نامه، به نقل از ع. گولپینارلی، همان، ۱۹۸۹، ص ۲۷.

این امر موجب نگرانی علما شده بود. آن‌ها علیه حروفیان فتوا دادند و اعلام کردند که پادشاه بایستی فرمان قتل همه اعضای این گروه را صادر کند؛ در غیر این صورت قتل خود او نیز واجب خواهد شد.^۱ طبق دیدگاهی دیگر جهان‌شاه حدود ۵۰۰ حروفی را به دلیل اقدام به شورش از دم تیغ گذرانده است.^۲

در خصوص روابط نزدیک جهان‌شاه با حروفیان خالی از فایده نیست که بگوییم جلال الدین دوانی استاد جهان‌شاه که از علمای مشهور عصر خود بود، پیش از همکاری با آق قویونلوها، هنگامی که در تبریز در مدرسه جهان‌شاه تدریس می‌کرد؛ کتابی به نام «رساله حروف» را برای جهان‌شاه و به زبان فارسی نوشت.^۳

حروفیه در آناتولی و بالکان

حروفیان بعد از قتل‌ها و تعقیب و گریزهای فراوان و تحمل فشارهای سیاسی راه آناتولی را در پیش گرفتند. مهاجرت جمعی نامیدن این حرکت البته خطا خواهد بود. اهمیت مطلب در انتقال اندیشمندان حروفی به آناتولی برای تبلیغ افکارشان است. در این ارتباط نمونه‌هایی در دست است. برای مثال خواجه اسحاق (وفات: ۱۸۹۲/۱۲۹۵ در کتاب خود به نام «کاشف الاسرار و دافع الاشرار» می‌نویسد: «پس از قتل فضل‌الله، خلیفه‌اش علی‌الاعلیٰ به آناتولی رفت و در خانقاه حاجی بکتاش شروع به معرفی حروفیه برای بکتاشیان نمود.» این مطلب از سوی محققان دیگر هم امر پذیرفته شده‌ای است.^۴ گولپینارلی اما ورود علی‌الاعلیٰ به آناتولی و اقامتش در خانقاه حاجی بکتاش و بازگشت او به آیینجه را غیرممکن می‌داند و نبود چنین مطلبی در «استوانامه» را دلیل ادعای خود ذکر می‌کند.^۵ لیکن استوانامه «کتاب‌راه» حروفیه نیست و با شواهد موجود به

۱. صادق کیا، آگاهی‌هایی تازه از حروفیان، مجله دانشکده ادبیات، شماره ۲، ۱۳۳۴، به نقل از ورداسبی، همان، ص ۶۳.

۲. محمد علی تربیت، دانشمندان آذربایجان، ص ۳۸۷؛ به نقل از کیا، همان، ۱۳۳۰ ه.ش، ص ۲۷.

۳. تاریخ بزرگ اسلام، جلد ۸، ۱۹۹۲، ص ۴۸۱.

۴. خواجه اسحاق، کاشف الاسرار و دافع الاشرار، ۱۲۹۱، ص ۵۴؛ آلساندرو بائوسانی، حروفیه، جلد ۳، EL2.

۵. ع. گولپینارلی، مذاهب و طریقت‌های ترکیه در ۱۰۰ سؤال، ۱۹۹۱، ص ۱۵۶.

نظر نمی‌رسد مهاجرت علی‌الاعلیٰ به آناتولی غیرممکن باشد.

میر شریف نیز در «حج‌نامه» نوشته است که به آناتولی آمده، کتاب‌های فضل و دیگر کتاب‌های حروفی را همراه خود آورده و با برادرش تا سواحل مدیترانه رفته است.^۱ آمدن نسیمی به آناتولی و سیاحتش در مناطق مختلف نیز از مطالبی است که امروزه خبر آن موجود است. گفته می‌شود به آنکارا رفته و خواستار دیدار با حاجی بایرام ولی شده است. به اعتقاد گولپینارلی میر شریف و نسیمی در گسترش حروفیه در آناتولی نقش داشته‌اند نه علی‌الاعلیٰ.^۲

در سایه کوشش چنین کسانی است که حروفیه در سرزمین عثمانی در قرن پانزدهم از قدرت نفوذ در دربار نیز برخوردار بوده است. وزیر اعظم محمود پاشا که نگران تمایل سلطان محمد فاتح به اندیشه‌های حروفی بود موضوع را به فخرالدین عجمی (وفات: ۱۴۶۰/۸۶۳) اطلاع می‌دهد. فخرالدین عجمی هم بعد از بررسی عقاید حروفیان آن‌ها را «حلولی» اعلام می‌کند و فتوایی مبنی بر ضرورت به قتل رساندنشان صادر می‌کند. با این فتوا حلولیان را در شهر ادرنه اعدام می‌کنند.^۳

به نظر بیرگه، سلطان محمد فاتح نیز به سنت‌های بکتاشیه صمیمانه علاقمند بوده و می‌دانسته است که رسوم آیین جم را بایستی به طور قطع رعایت کند، اما آن چه را که در دل داشت پنهان نمود و مجبور شد دوستان حروفی‌اش را به علمای سنی سپرد تا آن‌ها را زنده زنده بسوزانند.^۴

هم‌چنین از شورشی سخن گفته می‌شود که حروفیان در تابستان ۱۴۴۴/۸۴۸ در شهر ادرنه به راه انداختند و این حادثه با قتل عام آنان به پایان رسید.^۵ چگونگی عکس‌العمل محمد فاتح در برابر چنین کشتارها و اعدام‌هایی مشخص

۱. کیا، همان، ۱۳۳۰ ه.ش، ص ۲۸۲-۲۸۳، به نقل از گولپینارلی، همان، ۱۹۹۱، ص ۱۵۶.

۲. گولپینارلی، همان، ۱۹۹۱، ص ۱۵۷؛ گولپینارلی، همان، ۱۹۸۹، ص ۲۷.

۳. مجدی افندی، ترجمه شقایق النعمانی، ص ۸۱-۸۲؛ به نقل از گولپینارلی، همان، ۱۹۹۱، ص ۱۵۷؛ آک گوندوز و اوزتورک، عثمانی ناشناخته، ۱۹۹۹، ص ۱۰۸.

۴. ج. کینگ سلی بیرگ، تاریخ بکتاشیه، ۱۹۹۱، ص ۱۸۰؛ به نقل از اونور، همان، ص ۷۲.

۵. خلیل اینالچیک، اسناد و بررسی‌های مربوط به عهد سلطان فاتح، ۱۹۵۴، ص ۳۷، ۷۰-۷۱؛ به نقل از م. اونور، همان، ۲۰۰۳، ص ۷۴، آلساندرو بائوسانی، همان، ص ۶۲۱-۶۲۰.

نیست. اما این قدر هست که بکتاشیه در عهد فاتح به عنوان جریانی خطرناک شناخته نمی‌شده و ینی‌چری‌ها که اساس ارتش عثمانی را تشکیل می‌دادند دل‌سپرده این طریقت بودند.

بعد از سوء قصدی که توسط یکی از قلندریان به جان سلطان بایزید دوم صورت گرفت، طریقت‌های دگراندیش و هم‌چنین حروفیان، با دستگیری و مجازات‌های گوناگون مواجه شدند. لطیفی در تذکره خود می‌نویسد که در زمان سلطان بایزید و محمود دوم حروفیان نیز در کنار بکتاشیان مجازات می‌شده‌اند. در تاریخ‌نشانجی نیز زیر عنوان: «منع طائفه‌ی قلندران رافضی» نوشته شده است که در عهد سلطان سلیمان، حروفیان از سرزمین عثمانی تبعید شدند.^۱

در سال ۱۵۷۳ طی فرمانی از قضات شهرهای فیلیبه و تاتارپازاریچیک خواسته می‌شود دو خلیفه به نام‌های عیسی و عثمان در روستای اموراوباسی، و یک حرفی به نام مصطفی ایشیق در روستای مندیس از توابع تاتارپازاریچیک دستگیر و به مرکز فرستاده شوند؛ هم‌چنین حروفیان دیگر نیز تحت فشار قرار گیرند. در فرمان دیگری که در سال ۱۵۷۷/۹۸۰ خطاب به همان قضات نوشته شده، اعلام می‌شود که افراد مذکور مرده‌اند و لازم است تفتیش‌ها ادامه یابد.^۲

گولپینارلی با استناد به همین منابع نوشته است که حروفیان در مناطق آقچه حصار، استانبول، اسکی‌شهر و سیواس از مناطق آناتولی، و ارگیری کسری (آلبانی)، فیلیبه (یونان)، و تاتارپازاریچیک (بلغارستان) از مناطق بالکان که روملی خوانده می‌شد حضور داشته‌اند. او هم‌چنین بیان می‌دارد از آن جا که عبدالمجید بن فرشته مترجم و شارح کتاب‌های فضل‌الله در قرن شانزدهم در منطقه تیره اقامت داشته و در همان جانیز در گذشته است پس می‌توان گفت در تیره‌ی قرن شانزدهم فعالیت حرفی جریانی داشته است.^۳

۱. نشانجی محمد پاشا، تاریخ نشانجی، ۱۲۷۹، ص ۲۳۸-۲۳۴، به نقل از گولپینارلی، همان، ۱۹۹۱، ص ۱۵۷. ۲. احمد رفیق، رافضیه و بکتاشیه در قرن شانزدهم، ۱۹۳۲، ص ۳۱-۳۲، ۳۶-۳۷. ۳. گولپینارلی، همان، ۱۹۹۱، ص ۱۵۸-۱۵۶؛ گولپینارلی، همان، ۱۹۸۹، ص ۳۱ و ۳۲.

به نظر می‌رسد منابع تاریخی و هم‌چنین (مرحوم) گولپینارلی از واژه «ایشیق» به معنی نور که غالباً مفهوم باطنی می‌دهد، معنای «حروفی» را برداشت کرده و بین قلندریان و دیگر گروه‌های باطنی و حروفیان تفاوتی قائل نشده‌اند. به همین سبب رواست با مطالب مربوط به تعقیب و گریز حروفیان در زمان عثمانی با دقت و وسواس بیشتری برخورد شود.^۱

تحلیل تاریخی حروفیان

تداوم تعلیمات و آموزه‌های حروفیه به عنوان جریانی عرفانی فلسفی که در قرن چهاردهم و در ایران توسط فضل‌الله پایه‌گذاری شد را می‌توان تا قرن هفدهم دنبال کرد. در مقدمه گفته شد که حروفیان را می‌توان در دو دوره مجزا مورد بررسی قرار داد. دوره اول مربوط به زمان فضل‌الله و علی‌الاعلی، هم‌چنین معاصران و خلفای فضل‌الله مانند شیخ ابوالحسن، سید شریف، سید اسحاق، امیر غیاث‌الدین، و میرفاضلی می‌شود. همه اندیشمندان حروفی مذکور در ایران و آذربایجان زندگی کرده؛ آثار خود را نیز به فارسی نوشته‌اند. در میان حروفیان دوره اول، سید نسیمی خلیفه فضل‌الله و رفیعی از شاگردان نسیمی متفکرانی هستند که به طور استثناء آثار خود را به ترکی نگاشته و در آینده حروفیه نقش تعیین‌کننده‌ای داشته‌اند.

رفیعی برای گسترش فکر حروفی در آناتولی از سوی نسیمی مسئولیت داشت و احتمالاً نخستین حروفی‌ای است که به آناتولی رفت.^۲ او در «بشارت‌نامه» اش که در سال ۱۴۰۹ تحریر کرده است خاطر نشان می‌کند که از سوی نسیمی مسئولیت دارد و نگارش به ترکی برایش دشوار است:

تو اهل روم را آگاه کن و این راز پنهان را برایشان بیان نما

۱. فواد کوپرولو، نخستین صوفیان در ادبیات ترکیه، ۱۹۹۳، ص ۱۱۳؛ الف یاشار اوجاک، قلندران، صوفیان رانده شده در امپراتوری عثمانی، ۱۹۹۲، ص ۱۰۶.

۲. در میان این افراد، علی‌الاعلی، میر شریف و نسیمی را هم می‌توان نام برد.

پس سخن گفتن به ترکی ضروری شد سخن‌گفتم، اما با زحمت و مشقت فراوان
[بشارت‌نامه؛ ۳۰۱ سی‌دی ۱۳۴]^۱

به این ترتیب شاید بتوان رفیعی را اولین کسی دانست که روش معرفی اندیشه حروفی در جغرافیایی دیگر را مشخص کرده است. این شیوه که بیش از نسیمی در رفیعی‌بروز می‌یابد در حقیقت نسخه ترکی فلسفه حروفی است. مقبره رفیعی در پروژه (Preveze) یونان است و این نشان می‌دهد که حروفیه در کمتر از صدسال پس از به میدان آمدنش، به بالکان رسیده است.

در سال‌های ابتدایی سده پانزدهم بلافاصله پس از مرگ فضل‌الله ۱۳۹۴/۷۹۶ حروفیانی چون علی‌الاعلی، میرشریف، نسیمی و رفیعی به آناتولی رفتند و آموزه‌های حروفیه در همان قرن به بالکان نیز رسید. همان‌طور که درباره رفیعی ذکر شد، راه معرفی آموزه‌های حروفی در جغرافیای جدید از ترکی می‌گذشت. بیشتر نوشته‌های اولیه حروفی مانند مطالب عبدالمجید بن فرشته، که در آناتولی به زبان ترکی، نوشته می‌شد در واقع ترجمه‌های مختصر، دقیق و نظام‌مند مطالبی است که در دوره اول حروفیان نوشته شده بود. به همین دلیل شباهت و تکرار و توازی در آثار فارسی و ترکی حروفیان فراوان است.

شعر به لحاظ فرهنگی در زندگی مردم آناتولی جایگاهی دارد که نمی‌توان آن را نادیده گرفت. دلیل فراگیر بودن تأثیرات شخصیت‌هایی مانند یونس امره، حاجی بکتاش و پیر سلطان ابدال را علاوه بر گیرایی افکارشان، می‌بایست در استفاده آن‌ها از زبان شعر نیز جستجو کرد. برای تأثیرگذاری بر مردم آناتولی، شعر یکی از مؤثرترین انواع بیان شفاهی است؛ و این پاسخی است برای این سؤال که در آثار اصلی حروفیه در آناتولی چرا نظم بیش از نثر رواج داشته است. شاعرانی چون پناهی، مثالی، محیطی، و عرشی با ریختن آموزه‌های حروفی در ظرف نظم، توانستند باورها و اندیشه‌های خود را به

۱. این شماره‌ای است که از سوی کتابخانه برای محیط وب تعیین شده و شماره تصویر صفحه می‌باشد. در بخش معرفی اثر و نویسنده شماره صفحه و اوراق مربوطه قید شده است.

توده‌های بیشتری قبولانده و تا دورترین مناطق برسانند.

حروفیه‌ی سرزمین عثمانی در سطح فلسفی به آن چه در دوره نخست حروفیه به زبان فارسی نوشته شد نمی‌رسد. دلیل این امر نیز اکتفا به ترجمه‌ی آثار اولیه، مورد خطاب قرار دادن عامه مردم، و سرودن اشعار قابل فهم برای عموم است. این احتمال قوی است که حروفیه با هم‌خوانی با جریان‌های دگراندیش و گاه اهل بدعت ساده‌تر توانست در مناطق دوردست بالکان گسترش یابد. به همین ترتیب محتمل است که حروفیه به دلیل مساوی اعلام کردن همه ادیان، نقل قول از انجیل و تورات و در مواردی مسیح خواندن فضل‌الله، از سوی ملت‌های مسیحی بالکان به سهولت مورد پذیرش قرار گرفته و مردم به این وسیله نسبت به حروفیه و آن‌گاه اسلام‌گرایش یافته باشند.

به عنوان نتیجه این بحث باید گفت ویژگی اصلی آثار خلق شده حروفی در طول دویست و پنجاه سال مورد نظر (یعنی تا قرن هفدهم)، این است که غالباً برای معرفی فلسفه حروفی به ملت‌های مناطق جدید و گسترش آن نوشته شده‌اند. با این حال شروح جاوید علی، وحدت‌نامه مقیمی و صلات‌نامه ایشکورت دده را می‌توان آثار خاص و توسعه‌دهنده حروفیان در دوره دوم دانست.

بیشتر متون حروفی در قرن هجدهم و نوزدهم در شهرهای ارگریکسری (Ergirikesri) و آچه حصار (Kruje) آلبانی نوشته شده است. پانزده جلد کتاب که در فاصله زمانی ۱۷۰۸ تا ۱۸۴۰ استنساخ شده‌اند به دست نگارنده رسیده است. این نیز نشان می‌دهد که حروفیه تا نیمه اول قرن نوزدهم در بالکان به حیات خود ادامه می‌داده است.

فضل‌الله استرآبادی

«۷۹۶ - ۷۴۰ / ۱۳۹۴ - ۱۳۴۰»

درباره این که نام اصلی فضل‌الله چه بوده است نظرات مختلفی وجود دارد. نام‌های او را چنین ذکر کرده‌اند: عبدالرحمن، جلال‌الدین، شهاب‌الدین، و شمس‌الدین

فضل الله.^۱ در متون حروفی معمولاً به جای نام فضل الله از حرف «ف» استفاده می‌شود. طبق اعلام نظر کمال الدین قایتاق از متفکران حروفی، فضل الله در کتاب جاویدان نامه، خود را مولانا ف نامیده است. [اطاعت‌نامه، سی‌دی ۳۰۴۰۱]

امیر غیاث‌الدین در خصوص حرف «ف» که نشانه نام فضل الله است تفسیرهایی دارد. حرف «ف» در نظر او دارای ویژگی‌هایی است. «ف» در حساب ابجد معادل ۸۰ است. «ی» در اجزای «ف» (یعنی تلفظ ف که می‌شود فی) دو نقطه در زیر دارد و خود ف نیز یک نقطه که در مجموع رقم ۸۴ حاصل می‌شود؛ و این با مجموع ارقام نام فضل الله مساوی است. منظور غیاث‌الدین در اینجا ظاهراً مجموع حروف مقطعه است که حروف و نقطه‌ها را شامل می‌شود. هم‌چنین حرف «ف» در الفبا در ردیف بیستم قرار دارد. این ۲۰ با حرف «ی» که در اجزای «ف» هست (یعنی در فی) و ارزشش بر اساس حروف ابجد ۱۰ است، به اضافه حرف‌های «ف» و «ی» می‌شود ۳۲. این نیز در ردیف همان ۳۲ حرفی است که «کلمه الهی» نامیده می‌شود. [استوانامه، سی‌دی ۱۶]

نام دیگری که معمولاً برای فضل الله به کار می‌رود، «فضل» است. حروفیان معتقدند در «ض» و «ل» فضل هم اشارت‌هایی وجود دارد. حرف «ضاد» در الفبا در ردیف پانزدهم قرار دارد. اگر «الف» و «دال» اجزای دیگر «ضاد» را به پانزده بیفزاییم، رقم هفده به دست می‌آید. جمع این دو نیز مساوی ۳۲ است. ارزش عددی حرف سوم واژه «فضل»، یعنی «لام» بر اساس ابجد، ۳۰ است. «ل» به اضافه «ا» و «م» دو جز دیگر «لام» می‌شود ۳۲. [استوانامه، سی‌دی ۱۶]

بنابر این روی اشارات موجود در ۳۲ حرف نام فضل الله تأکید می‌کنند. ما در بحث حروف به ویژگی‌های هر یک از حروف الفبا خواهیم پرداخت. فضل الله هم‌چنین به «سید فضل الله حلال خور» مشهور بوده است.^۲ بی‌تردید دلیل این امر خویشتن‌داری فضل الله از خوردن حرام بوده است.

۱. سحای، همان، ص ۱۷۳، به نقل از ورداسبی، همان، ص ۵۱؛ کاتب چلبی، کشف الظنون، جلد اول، ص ۵۷۸ و جلد دوم، ص ۱۱۳۲؛ به نقل از گولپینارلی، همان، ۱۹۸۹، ص ۳ و ۲.

۲. بانوسانی، همان، ص ۶۲۰؛ سحای، همان، ص ۱۷۳، به نقل از ورداسبی، همان، ص ۵۱.

شجره‌نامه فضل‌الله نشان می‌دهد که او سید بوده است. براساس نسخه‌های خطی موجود و با تفاوت‌های جزئی آن‌ها نسب‌نامه فضل‌الله چنین است: فضل‌الله بن سید بهالدین بن حسن بن سید محمد بن سید عمادالدین بن سید تاج‌الدین بن سید علی بن سید هاشم بن سید شریف شاه بن سید محمد الیمانی بن سید علی بن سید حسین بن سید محمد بن سید هاشم بن سید حسن بن سید (علی بن سید هاشم بن سید محمد بن سید) ^۱ جعفر بن امام موسی کاظم (ع) بن امام جعفر (ع) بن امام محمد باقر (ع) بن زین‌العابدین (ع) بن امام حسین (ع) بن امام علی (ع) بن ابی‌طالب. [شجره فضل، سی‌دی ۷۳۷؛ صلات‌نامه، سی‌دی ۵۱؛ بیان الواقع، ورق ۷۸ - ۸۱]

در خصوص محل تولد فضل‌الله نیز در منابع موجود اختلاف هست و شهرهای تبریز، شیروان و مشهد ذکر می‌شود. ^۲ علی‌الاعلی خلیفه فضل‌الله معتقد است او در استرآباد به دنیا آمده است:

استرآباد است تخت کائنات

زان که شاه آن جا نمود از روی ذات [توحیدنامه، ورق ۵۰]

فضل‌الله خود در «نونا» بیان داشته است که استرآبادی است. ^۳

فضل‌الله در سال ۷۴۰/۱۳۴۰ به دنیا آمده. عرشی نیز در دیوان خود به همین تاریخ اشاره کرده است. او در غزلی هفت بیتی می‌گوید که در سال ۹۷۰ به دنیا آمده و با استفاده از تعبیر «یاری داد» ذکر می‌کند که ۲۳۰ سال بین او و فضل فاصله زمانی وجود دارد.

محیطی درباره رقم ۷۴۰ که سال تولد فضل‌الله است محاسبه‌هایی دارد. می‌نویسد اولاً ۷۴۰ حاصل ضرب ۱۶ در ۳۲ و ۸ در ۲۸ است و هم‌چنین با جمع ابجدی ۸ حرف اسم اعظم فضل‌الله (فی ضاد لام) مساوی است: $۷۴۰ = ۸ + (۸ \times ۲۸) + (۱۶ \times ۳۲)$. ^۴ منظور از ۸

۱. نام‌های ذکر شده در پرانتز در اثر ایشکورت دده نیامده است.
۲. ورداسبی، همان، ص ۵۰، براون، یادداشت‌هایی بر ادبیات حروفیه، ۱۹۰۷، ص ۴۵۱؛ رضاقلی خان هدایت، تذکره ریاض‌العارفین، ۱۳۰۵، ص ۲۳۵، به نقل از آژند، همان، ص ۳.
۳. کیا، همان، ۱۳۳۰ ه.ش، ص ۲۹؛ به نقل از گولپینارلی، همان، ۱۹۸۹، ص ۳ و ۴.
۴. در این محاسبه خطایی وجود دارد. بر اساس ضرب و جمع مذکور، نتیجه ۷۴۴ می‌شود که رقمی متفاوت با تاریخ تولد فضل‌الله است. منشأ این خطا برای مترجم روشن نشد. م

ضربدر ۲۸ در این جا اشاره است به این نکته که با عبور خط استوا در چهره آدمی ۸ خط پدیدار می شود که در هر یک از آن ها ۲۸ حرف هجا حضرت محمد(ص) دیده می شود. ۱۶ ضربدر ۳۲ نیز اشاره است به ۳۲ حرف موجود در الفبای آدم که در هر یک از خطوط او به طور جداگانه وجود دارد. حاصل جمع ۸ و ۱۶ در این حساب، اشاره است بر ۲۴ ساعت و ۲۴ حرفی که در نطق حضرت موسی(ع) وجود دارد و به اعتقاد محیطی، ظهور فضل الله نیز وابسته به آمدن آن هاست. در این جا منظور از ۲۴ ساعت ظهور فضل الله است و اشاره دارد به آیات ۳۴ و ۸۵ سوره های لقمان و زخرف که می فرماید: «بی تردید علم الساعه نزد اوست.» چنان چه فضل الله در یک ساعت محاسبه تمام عالم را انجام داده است. یعنی خیلی سریع با حساب حروفی تقسیمات لازم را به انجام رسانده است. [کشفنامه، سی دی ۹۶، ۹۵]

دوم این که محیطی می گوید ۴۰ در رقم ۷۴۰ بر شکل گیری گل آدم در مدت ۴۰ روز دلالت دارد. ۷۰۰ باقی مانده نیز از ۷ خط اصلی حاصل می شود. زیرا هر یک از این خطها از ۱۲ برج و ۲۸ منزل ماهانه و ۶۰ دقیقه (درجه) تغذیه می کنند. بنابر این چون هریک از خطها با حرکت برج ها و ماه ها و دقیقه هایی که در امتداد ۱۰۰ هستند، ظهور یافته و از آن ها نیز تغذیه می کنند، ۷ خط در امتداد ۷۰۰ قرار می گیرد. یعنی فضل الله با به دنیا آمدن در سال ۷۴۰ نشان می دهد که ۷ خط اصلی با ۷۰۰ حاصل شده از فلک بروج ظهور یافته و خمیر وجودی اش ۴۰ روز ورز داده شده است. [کشفنامه، سی دی ۹۶] در اینجا به نحو پوشیده ای از آدم به فضل الله عبور داده شده؛ مطلبی که در صفحات بعد توضیح داده خواهد شد.

سوم این که محیطی براساس روزهای هفته محاسبه ای می کند. روز اول هفته که در عربی «احد» خوانده می شود یکشنبه است. منظور از شروع هفته در این روز، آفرینش آدم است. روزهای دیگر تا جمعه با نام های دوم و سوم و ... خوانده می شوند. آخرین روز از روزهایی که با عدد نامگذاری شده اند (خمیس) پنجشنبه است. محیطی می گوید مقصود از پنجشنبه به عنوان آخرین روز هفته فضل الله است. زیرا ارزش رقمی پنجشنبه بر اساس حروف ابجد ۷۱۰ است. اگر حروف و نقطه هایی که در اجزای «خمیس» وجود دارد

را به رقم بالا اضافه کنیم «یعنی خی میم بی سین که می شود ۲۲» حاصل جمع آن ۷۳۲ خواهد شد. در خمیس پنج حرف و چهار نقطه غیر تکراری وجود دارد (خ می س ن) که جمع آن با ۷۳۲ می شود ۷۴۱. نتیجه این که روز پنج شنبه اشاره است به تاریخ تولد فضل الله / ۷۴۰ و عدد یک باقیمانده نیز در راستای وجود فضل الله است. [کشفنامه سی دی ۱۲-۱۳]

به نظر محیطی دلیل دیگر این که روزهای عددی هفته به پنج شنبه (خمیس) ختم می شود این است که فضل الله برخوردار از صورت و معنا، در عالم صورت، روز پنج شنبه برخواهد خاست. یعنی صورت در روز پنج شنبه کامل می شود. صورت به حساب ابجد مساوی است با عدد ۶۹۶. این کلمه در داخل «باطن» خود دارای ۳۲ حرف است که ارزش ظاهر و باطنش مجموعاً ۷۲۸ است. اگر دو نقطه موجود در کلمه صورت و ۱۰ حرف تشکیل دهنده اجزای آن «صاد واو زی تی» را هم به رقم قبلی اضافه کنیم حاصل جمع آن می شود ۷۴۰. بنابراین با محاسبه واژه «صورت» نیز، تاریخ به صورت درآمدن فضل الله به دست می آید. با ظهور اوست که ظهور ذات الهی به لحاظ صورت و معنا به کمال می رسد. [کشفنامه، سی دی ۱۳]

چهارم این که در حدیثی گفته شده است دنیا روی شاخ گاوی قرار دارد. اجزای واژه «ثور» به معنی گاو ۷ حرف است (ثی واورئ) که طبق حساب ابجد می شود ۷۳۳. اگر این رقم را با ۷ حرف مذکور جمع کنیم رقم ۷۴۰ به دست می آید که این نیز تاریخ تولد فضل الله است. بنابراین معنای حدیث یاد شده چنین خواهد بود: «وجود عالم قائم به وجود اوست». [کشفنامه، سی دی ۶۹]

محیطی حدیث «کنت کنزا مخفیا...»^۱ را نیز مورد بررسی قرار می دهد و به این نتیجه می رسد که با محاسبه عددی واژه «خلق» به تاریخ تولد فضل الله می رسیم، پس حدیث مذکور به فضل الله اشاره دارد. ارزش عددی «خلق» بر اساس ابجد ۷۳۰ است. این کلمه در اجزای خود ۸ حرف دارد (خی لام قاف) که با تمامیت آن و خود کلمه می شود ۱۰.

۱. کنت کنزا مخفیا فاحببت ان اعرف فخلقت الخلق لکی اعرف؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۴ ه. ق؛ جلد ۸۴، ص ۱۹۹.

جمع ۱۰ و ۷۳۰ می‌شود ۷۴۰؛ و این رقم بر ورود فضل‌الله از عالم ذات - که عالم قوه و مجردات است - به عالم صورت - که عالم خلقت و مرکبات است - و به طور خلاصه بر تولد او دلالت دارد. [کشف‌نامه، سی‌دی ۸۶ - ۸۵]

محیطی حدیث «الطرق الی الله بعدد انفس الخلائق»^۱ را هم به همان شیوه تفسیر می‌کند. ارزش عددی «خلائق» به معنی آفریدگان در حساب ابجد مساوی با ۷۴۱ است؛ که نشان‌دهنده گذر فضل‌الله از عالم اجمال به عالم تفصیل است یعنی تاریخ تولد او به اضافه یک، که دلالت بر وجود او دارد. بنابر این منظور از کلمه «خلائق» در حدیث مذکور، وجود فضل‌الله است. [کشف‌نامه، سی‌دی ۵۳]

بر اساس منابع سنتی موجود، در حالی که همه پیامبران در روز محشر «نفسی، نفسی» می‌گویند پیامبر اسلام حضرت محمد(ص) «امتی، امتی» می‌گوید. در نظر محیطی، در این جا کلمه «امت» نیز اشارت است بر تاریخ تولد فضل‌الله. ارزش عددی کلمه «امت» ۴۸۱ است. در اجزای کلمه امت، علاوه بر چهار حرف خود کلمه «ا م م ت»، ۷ حرف دیگر ظاهر می‌شود «ل ف ی م ی م ی»، که ارزش ابجدی این ۷ حرف مساوی ۲۲۰ است. تفریق این دو رقم (۲۲۰ و ۷۰۱) ۴۸۱ می‌شود. تعداد حروف و نقطه‌های موجود در اجزای «امت»، (الف میم میم تی) مساوی عدد ۲۰ است که اگر به تعداد ۴ حرف ظاهری کلمه امت اضافه شود، عدد ۲۴ را خواهیم داشت. (فراموش نشود در رسم الخط عربی زیر «ی» دو نقطه گذاشته می‌شود. م) اگر حرف مشدد «میم» امت را یک حرف حساب کنیم، جمع نقطه‌ها و حروف در اجزای امت (الف میم تی) مساوی ۱۵ خواهد بود. اگر جمع ۱۵ و ۲۴ را به ۷۰۱ اضافه کنیم، ۷۴۰ حاصل می‌شود که تاریخ تولد فضل‌الله است. [کشف‌نامه، سی‌دی ۷۱-۷۰] به عبارت دیگر پیامبر با گفتن «امتی امتی» ظهور فضل‌الله را اعلام کرده است.

محیطی می‌گوید کلمه «خلیفه» نیز نشانگر تاریخ تولد فضل‌الله است. واژه خلیفه به حساب ابجد می‌شود ۷۲۵. اجزای این کلمه شامل ۱۱ حرف است. (خی لام یی فی هی) جمع این‌ها می‌شود ۷۳۶ که اگر با ۴ نقطه ظاهری آن جمع شود عدد ۷۴۰ حاصل خواهد

۱. الطرق الی الله بعدد انفس الخلائق؛ مجلسی، همان، جلد ۶۴، ص ۱۳۷.

شد. فضل‌الله نیز دقیقاً در ۷۴۰ به دنیا آمده، یعنی از عالم لاهوت «عالم ذات» به عالم ناسوت «عالم صفات» تجلی کرده است و به عبارت دیگر در ۷۴۰ خلیفه زمین شده است.

[کشفنامه، سی دی ۲۰]

آخرین محاسبه محیطی در خصوص ذوالقرنین است. معنی لغوی ذوالقرنین به عنوان کسی که نامش در قرآن آمده و در برابر قوم یاجوج و ماجوج سدی کشیده است، «دارنده دو شاخ» است. اما «قرن» در عین حال به معنای «سده» نیز آمده است. در این صورت قرنین، دو سده و ذوالقرنین، صاحب دو سده معنا می‌شود. محیطی معتقد است یکی از این سده‌ها قدم گذاشتن فضل‌الله از عالم غیب به عالم شهادت یعنی عالم خلقت است که به معنای تولدش در ۷۴۰ هجری است. ارزش عددی «قرن» به حساب ابجد ۳۵۰ است که با نقطه‌ها و حروفی که در اجزایش هست (قاف ری نون) می‌شود ۳۶۵. قرنین یعنی دو قرن، پس ارزش عددی قرنین ۷۳۰ خواهد شد. اگر حروف کشیده در اجزای کلمه قرن (قاف ری نون) را به حساب نیاوریم، ۵ حرف خواهیم داشت که در قرن ۱۰ خواهد شد. جمع این ۱۰ با ۷۳۰ می‌شود ۷۴۰ که اشاره‌ای است بر تاریخ تولد فضل‌الله. محیطی معتقد است منظور از ذوالقرنین در سخنان پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) فضل‌الله است که «خداوند تأویل»، «صاحب زمان»، «کاشف قرآن» و «مالک هر دو جهان» می‌باشد. قرن دوم یعنی تولد دوم نیز تولد فصلی است که این نیز بر ظهور او اشارت دارد و در ۷۵۸ هجری رخ داده است. محیطی حساب مرتبط با این موضوع را در عبارت «هفت صد و اند» به انجام می‌رساند. ابجد «اند» ۵۵ است. اگر ۳ حرف کلمه را به عدد مذکور اضافه کنیم عدد ۵۸ را خواهیم داشت. یعنی عبارت «هفت صد و اند» دقیقاً به معنای ۷۵۸ است که تولد فضل‌الله به حقیقت می‌باشد. [کشفنامه، سی دی ۲۰]

نصرالله بن حسن علی بن مجدالدین حسن نفیسی - سید اسحاق - از شاگردان فضل‌الله، در کتاب خود خواب‌نامه، از سال‌های جوانی فضل‌الله و حوادث دورانی که تبلیغ حروفیه را آغاز نمود سخن می‌گوید. براساس مطالب کتاب مذکور فضل‌الله در استرآباد پدرش را که قاضی القضاات بوده از دست می‌دهد.^۱ او که قبل از رسیدن به سن

۱. برخی گفته‌اند ابو محمد تبریزی پدر فضل‌الله کفاش بوده است. نک: اونور، همان، ۲۰۰۳، ص ۴۹.

بلوغ عباداتش را انجام می‌داده است، روزی با شنیدن بیتی از مولانا شروع به عبادت‌های دائم در شب و روز می‌کند.^۱

در ۱۸-۱۹ سالگی استرآباد را ترک می‌کند. در راه بعد از آن که لباسش را با لباس یک چوپان عوض می‌کند ابتدا به اصفهان و پس از آن به حج می‌رود. در بازگشت وقتی به خوارزم می‌رسد دوباره تصمیم می‌گیرد به حج برود و به راه می‌افتد.^۲ فضل‌الله در طول سیاحت‌های متعددش به شهرهایی چون خوارزم، سمیرم، اصفهان، مشهد، خراسان، تبریز، گیلان، دامغان، باکو، بروجرد، و مازندران سفر می‌کند. در این خصوص در برخی کتاب‌ها مطالب مفصلی یافت می‌شود.^۳ میرفطروس می‌گوید هدف فضل‌الله از مسافرت‌های متعدد روابط تجاری و برقراری ارتباط با پیشه‌وران بوده است. او حتی در باکو جمعیتی مانند سندیکا تشکیل داد و آن شهر را به عنوان مرکز حروفیه برگزید.^۴ گذشته از این تفسیر افراطی مادی، گفته می‌شود فضل‌الله در طول مسافرت‌هایش پیامبرانی چون حضرت عیسی (ع)، حضرت سلیمان (ع)، حضرت محمد (ص)، و حضرت ابراهیم (ع) را در رؤیاهایی رازآلود مشاهده کرد؛ که این‌ها شروعی برای ظهور رهبری معنوی اوست.

به عنوان نمونه وقتی فضل‌الله برای بار دوم عازم حج بود، در خوارزم حضرت عیسی (ع) را در خواب دید. عیسی (ع) در عالم رؤیا نام اولیای مخلص را به او می‌دهد. روز دیگر حضرت سلیمان (ع) را در خواب می‌بیند. حضرت سلیمان از او می‌پرسد آیا رفتار قاضی تاج‌الدین با مردم خوب است یا نه؟ وقتی فضل‌الله رفتار او را نامناسب می‌خواند،

۱. از مرگ چه اندیشی چون جان بقا داری در گور کجا گنجی چون نور خدا داری گولپینارلی می‌نویسد معنای این بیت که توسط درویشی خوانده می‌شد از کمال‌الدین استاد فضل‌الله سؤال شد. او به فضل‌الله می‌گوید معنای این بیت فقط با عشق و جذبه دانسته می‌شود. از همان موقع فضل‌الله به تصوف روی می‌آورد. نک: گولپینارلی، همان، ۱۹۸۹، ص ۵.
۲. آکسو می‌نویسد فضل‌الله در مسیر حرکت به سوی حج، ابتدا به تبریز سپس در سال ۷۶۰ به خوارزم و بعد از آن به سمیرم رفت. او بعد از مسافرت به مشهد به مکه می‌رود و در بازگشت مجدداً به خوارزم مراجعه‌کند. نک: حسام‌الدین آکسو، فضل‌الله حروفی، DIA جلد ۱۲، ۱۹۹۵، ص ۲۷۷.
۳. نک: سید اسحاق، خواب‌نامه، واتیکان، فارسی، شماره ۱۷؛ آکسو، همان، ۱۹۹۵، ص ۲۷۷-۲۷۸؛ ورداسبی، همان، ص ۵۱. ۴. میرفطروس، همان، ص ۳۸.

سلیمان (ع) به هدهد فرمان می دهد قاضی تاج الدین را به کلاغ تبدیل کرده و آن را بکشد. از همان روز به بعد از قاضی تاج الدین خبری به دست نمی آید.^۱

او در خوابی دیگر ستاره ای را می بیند که از غرب برمی خیزد. این ستاره بسیار درخشان تمام نور خود را در چشم راست فضل الله فرو می ریزد. هائقی چستی این ستاره را از فضل الله سؤال می کند. او پاسخی نمی دهد. همان صدا می گوید این ستاره هرچند صد سال یکبار می آید. فضل الله وقتی از خواب برمی خیزد متوجه معنای صدای پرندگان می شود. با دیدن رؤیای مزبور، علم تعبیر خواب به او داده شد.^۲

سید محمد نانوا، درویش علی و بایزید اولین کسانی هستند که فضل الله خواب آن ها را تعبیر کرد و آن ها به سلک پیروانش درآمدند. سید اسحاق می گوید علم تعبیر خواب در سال ۷۵۶ / ۱۳۵۵ توسط پیامبر و در حین یک رؤیا به فضل الله داده شد. علم حروف نیز در سال ۷۸۰ / ۱۳۷۸ به او داده شده است.^۳

فضل الله در سال ۷۷۲ / ۱۳۷۰ به اصفهان رفت و عزلت گزید. او در این مدت در مسجد طوقچی اقامت داشت و به تعبیر خواب می پرداخت. شیخ ابوالحسن بن شیخ ابراهیم دستگردی، مولانا زین الدین رجایی، خواجه سعدالدین، افضل الدین پدر خواجه سعدالدین، خواجه زاده حافظ حسن، خواجه علی تقی، امیر فرخ گنبدی و سید محمد کسانی هستند که در دوره مذکور خواب هایشان توسط فضل الله تعبیر شده است. شخصیت های سیاسی و نظامی مانند سلطان اویس، زکریای وزیر، و خواجه شیخ صاحب الصدر نیز از جمله کسانی هستند که فضل الله خواب هایشان را تعبیر کرده است.^۴

۱. این خواب اخیر را که در سال ۷۵۶ دیده شده گولپینارلی چنین نقل می کند: فضل الله در خواب خود را در باغشان در استرآباد می بیند. حضرت سلیمان از هدهد می پرسد. هدهد در حالی که کلاغ سیاهی در دست دارد می آید. به امر حضرت سلیمان پره های کلاغ را کنده از دیوار باغ بیرون پرتاب می کنند. فضل الله وقتی بیدار می شود حضرت سلیمان را خدا، هدهد را روح، و کلاغ را نفس تعبیر می کند. نک: گولپینارلی، همان، ۱۹۸۹، ص ۵.

۲. سید اسحاق، خواب نامه، واتیکان، فارسی، شماره ۱۷، ص ۴۳؛ به نقل از ریتز، همان، ص ۲۱-۲۵.

۳. آکسو، همان، ۱۹۹۵، ص ۲۷۷، ریتز، همان، ص ۳۴؛ بائوسانی، همان، ص ۶۲۱.

۴. سید اسحاق، خواب نامه، واتیکان، فارسی، شماره ۱۷، ص ۴۳؛ به نقل از ریتز، همان، ص ۲۷-۲۹؛ سید

گفته می‌شود در رمضان ۷۷۵/ ۱۳۷۴ و یا ۷۷۴/ ۱۳۷۳ دانش تأویل احکام شرعی به فضل‌الله عطا شد. این تاریخ در حاشیه «کرسی‌نامه» نیز قید شده است. سال ۷۷۸/ ۱۳۷۶ به عنوان تاریخ آغاز گسترش حروفیه توسط فضل‌الله، اعلام شده است.^۱

فضل‌الله در سال ۷۷۶/ ۵-۱۳۷۴ در تبریز، در عالم رؤیا حضرت عیسی (ع)، حضرت محمد (ص) و حضرت آدم (ع) را به عنوان خلفای خدا، و خود را خاتم پیامبران و اولیاء، مسیح و مهدی می‌بیند. به این ترتیب نبوت و ولایت هر دو در او ظهور نموده و دوره الوهیت آغاز می‌شود. فضل‌الله که بعد از بیان این رؤیا، از سوی علمای تبریز تکفیر شده بود در سال ۷۷۸/ ۱۳۷۶ به اصفهان رفت و در غاری به انزوا نشست. در میان کسانی که در آن دوره با فضل‌الله بیعت کردند نام شیخ حسن فخرالدین، جلال بروجردی، فضل‌الله خراسانی، حسین، عبدل اصفهانی، نائینی، دشتی و میرشریف ذکر می‌شود.^۲

در همان سال یعنی ۷۷۸/ ۱۳۷۶ زمانی که فضل‌الله در مسجد طوقچی اقامت داشت کسانی چون معین الدین شهرستانی، مولانا محمد از کوهستان گیلو، شیخ عیسی‌فرزند شیخ نورالدین تهرانی، مولانا علاالدین رجایی و نصرالله با او بیعت کردند.^۳

در ابتدای یکی از نسخه‌های خطی حروفی نوشته شده است که ظهور علم در وجود فضل‌الله مصادف است با سال ۷۸۸/ ۱۳۸۶.^۴ در رساله‌های دیگر نیز به همین ترتیب تاریخ مذکور را زمان ظهور و بروز فضل‌الله قید کرده‌اند. [بخش‌ها، سی‌دی ۱۰۵۲، ۳۰۳۷۷] مناسب است در همین جا یادآوری شود این که نقل کرده‌اند دانش حروفی در سال ۸۰۰/ ۱۳۹۷ بر فضل‌الله ظاهر شد،^۵ صحیح نیست زیرا او در این سال درگذشته بوده است.

→

اسحاق، خواب‌نامه، علی امیری، فارسی، شماره ۱۰۴۲، ورق ۲۵، ۱۹، به نقل از گولپینارلی، همان، ۱۹۸۹، ص ۴ و ۶.

۱. آکسو، همان، ۱۹۹۵، ص ۲۷۷؛ کیا، همان، ص ۲۸۹-۲۹۰ و ۴۹۲؛ به نقل از گولپینارلی، همان، ۱۹۸۹، ص ۷؛ گولپینارلی، همان، ۱۹۹۱، در ص ۱۴۳ تاریخ ۱۳۸۶ (۷۸۸) ذکر شده است.

۲. کیا، همان، ص ۲۸۸-۲۸۶، به نقل از گولپینارلی، همان، ۱۹۸۹، ص ۷.

۳. آژند، همان، ص ۸۷؛ خیای، همان، ص ۲۳۵، سید اسحاق، خواب‌نامه، ص ۴-۱۲، به نقل از ریتو، همان،

ص ۲۱-۲۵. ۴. م.ک. علی امیری، فارسی شماره ۲۶۹، سی‌دی ۱۰۱؛ گولپینارلی، همان، ۱۹۸۹، ص ۳.

۵. کلمنت هوآرت، حروفیه، IA، (۱)، ۱۹۷۷، ص ۵۹۸.